

بیست و نهم خرداد «روز کارگران ایران»

خلع ید، نیروی شگرف کارگران ایران را به جهان ملتها شناساند

بقیه در صفحه دوم

اویسی جلاد در ایران است، در تهران است، اورا بکشید.

در ادب فارسی و عرفان اسلامی که بی تردید اندیشه‌های ایرانی در شکل گیری آن سهم فراوان داشته است، داستانهایی آموزنده و دلپذیری یافت میشود

داستان شیرین «منطق الطیر» است که شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری آنرا با هنرمندی تمام بنظم کشیده و شاید یکی از لطیفترین و زیباترین یادگارها ادبی جهان بشمار آید. هر ایرانی دردمندی که تپاه شدن نهضت بزرگ ملتش را می بیند، با خواندن این داستان شورانگیز، اندیشه دیگری در ذهنش بیدار میشود که در واقع برعکس جهت حرکت مرغان حقیقت جوئی است که رهروان راستین داستان

منطق الطیر هستند. در آن داستان، مرغانی را مشاهده میکنیم که جوینده سیمرغ آن مظهر پاکی و تقوی و فضیلت و طهارت هستند. مرغانی را مصمم می بینم که میخواهند به کوه «قاف» پرواز کنند و سیمرغ افسانه‌ای خود را بیابند و او را سپه سالار خود سازند، از او فرمان برند، پاک شوند، متقی گردند و به فضیلت و طهارت برسند. در این راه چه اشتیاق و شوری از خود نشان میدهند.

بقیه در صفحه ششم

زادروز سرور شهیدان فرخنده باد

سوم ماه شعبان برابر با زادروز حسین بن علی (ع)، سومین اختر تابناک آسمان امامت است. طلوع آن خورشید درخشان که به حق طلبان جهان درس ایستادگی و جانبازی آموخت، بتمام مسلمانان بویژه هم‌میهنان گرامی، فرخنده باد.

گرانی مردم را به ستوه آورده است

خشم مردم پی آمدهای دردناک خواهد داشت

بقیه در صفحه سوم

حرمت قانون

نایمینی همه کشور را به تب و تاب افکنده

انقلاب، هرگز به معنای نابود ساختن قدرت و حرمت قانون نیست. انقلاب، به معنای درهم شکستن قانون‌های ستمگرانه و برقرار ساختن قانون‌های دادگرانه میباشد و اگر قانون‌های ستمگرانه درهم شکسته شود ولی بجای آن قانون‌های دادگرانه برقرار نگردد جامعه به دوران بی قانونی بازگشت داده شده است.

دوران بی قانونی در فرهنگ سیاسی «قانون جنگل» نام گرفته که به معنای بی قانونی است، به معنای گشاده داشتن دست زورمندان بر ناتوانان است و هر بی قانونی چنین خصلتی را در خود نهان دارد.

بی قانونی، به معنای فرو کوفتن دست زور بر سر ضعیف است و قانون جنگل هم همین است. بی قانونی، فقط در نبودن قانون نیست، حرمت نگذاشتن به قانون و بی اعتنا ماندن به قانون نیز بی قانونی را به یاد می آورد و «قانون جنگل» را.

وجود قانون در اثر آن میباشد و اگر قانون از اثر ساقط شود بازگشت به دوران «قانون جنگل» است. کاربردستانی که آشکار یا پنهان، حرمت قانون را می شکنند و خواست و اراده خود را جانشین قانون می سازند، در حقیقت جامعه ما را به دوران «قانون جنگل» برمی گردانند. اگر قانونی ناروا است می باید به درست گردانیدن آن پرداخت و برای درست گردانیدن قانون‌ها و به همچنین برای برقرار داشتن قانون‌های تازه، حتی بعد از انقلاب شیوه‌هایی بنیان نهاده شده و برون از این شیوه‌ها هیچ قانونی نباید برقرار گردد.

بی اعتنا ماندن به قانون، یا برقرار ساختن قانون برون از شیوه‌های قانونگزاری، نه همان گشاده داشتن دست ستم است که برهم زدن نظام اقتصادی و اجتماعی کشور نیز هست.

در قضایی که حرمت قانون شکسته شده، تلاش اقتصادی از رونق بازمی ماند و امان اجتماعی از خاطر مردمان بریده میشود و شوریدگی‌ها پدید می آید، که بی گمان فرمانروایان و زورمندان را هم به سر می افکند.

آن کاربردستان که بر قانون بی حرمتی روا میدارند و گمان می برند که بدین کردار، پایه‌های قدرت خود را استوار می سازند، به سختی در اشتباه‌اند، آنان، با رفتار قانون شکنانه، «نظام حاکم» را به گردابی می کشند که بی گفتگو خود به بدنامی در آن غرق خواهند شد.

حرمت گذاشتن بر قانون، به کردار است، اگر کردار کاربردستان چنان باشد که حرمت از قانون به زداید، بر کهنتر و مهتر منزلت نخواهد ماند، و نظام از زندگی اقتصادی و اجتماعی رخت برنخواهد بست.

و دریغا که از پس انقلاب اسلامی ملت ایران، بسیاری کاربردستان، بی حرمتی بر قانون روا داشتند، و برداشت و صوابدید خود را قانون خواندند. اینان بنا به خواست و تشخیص خویش دست به کارهایی زدند که باور نکردنی است.

در کار پاک سازی اداره‌ها، به خواست خود و بی هیچ قانون روشن کیفرها بر مردمان روا داشتند، در دادرسی‌ها، دادرسی به تشخیص خود به هر کار

بقیه در صفحه دوم

تجاوز به آزادیهای اساسی مردم را
پایان دهید

حمله به گردهم آئیها کرداری ضدانقلابی است

انقلاب ایران از دو ویژگی تردیدناپذیر برخوردار است، یکی درهم کوبیدن سلطه استعمار و نظام استبدادی وابسته به آن و دیگری حاکمیت بخشیدن به قانون و راه را بر یکه تازی بستن.

ولی جمع کردارهای مرکزهای قدرت خود کما که هر یک به نوعی با انحصارطلبان در رابطه هستند، هر روز امکان استقرار جمهوری اسلامی را بگونه‌ای یک سامان قانونی و پایدار، بیشتر از دیروز از میان بر میدارد و امید به پدید آمدن یک دولت نیرومند که بتواند به کار نوسازی ایران سوخته و آسیب پذیر بپردازد کم و کمتر می شود.

یکی از بارزترین نشانه‌های کوشش برای جلوگیری از پافشارتن نظام جمهوری اسلامی ایران بنحوی که در قانون اساسی پیش بینی شده است، زیرپا نهادن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم و بخصوص تجاوز به گردهم آئیهای سازمانهای سیاسی است.

بقیه در صفحه ششم



خلع ید از غارتگران بیگانه بدست توانای کارگران

دردادرسی جاسوسان بازداشت شده درنگ نکنید. توطئه علیه حاکمیت ملی ایران بخشودنی نیست.

شده در لانه جاسوسی آمریکا است. انقلاب اسلامی ملت ایران در به کیفر رساندن گناهکاران بزرگ و آنها که علیه ارزشهای تاریخی و دینی و ملی ما دست به توطئه زده‌اند، نباید درنگ کند. لانه جاسوسی آمریکا در تهران سرچشمه اصلی همه آسیب‌هایی است که در طول بقیه در صفحه سوم

اعتبار نامه بیشتر نمایندگان مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است و مجلس می رود که آماده کار شود. در برابر این مجلس دشواریهای گوناگون قرار دارد که تصمیم گیری‌های سریع و قاطع را ایجاب می کند و یکی از این دشواریها، بی تکلیف ماندن جاسوسان بازداشت

مصاحبه داریوش فروهر

روز چهارشنبه بیست و یکم خرداد ماه، هم‌رمز داریوش فروهر دبیر حزب با خبرگزاری پارس مصاحبه‌ای داشت که بخشی از آن در روزنامه‌ها انتشار یافت و اکنون با توجه به اهمیت موضوع متن کامل مصاحبه چاپ میگردد. داریوش فروهر وزیر مشاور و دبیر حزب ملت ایران در گفت و گوئی با خبرگزاری پارس پیرامون موضوع دستگیری خسرو بقیه در صفحه دوم

ارگان حزب ملت ایران

بیست و نهم خرداد. «روز کارگران ایران»

خلع ید، نیروی شگرف کارگران ایران را به جهان ملتها شناساند

بی گمان نهضت ملی شدن نفت، حرکت تعیین کننده‌ای بود به رهبری مصدق که نه تنها سر نوشت سیاسی و اقتصادی ایران را دگرگون کرد، که گشاینده‌ی راه همی ملت‌های استعمار زده به سوی استقلال و آزادی گردید.

مصدق بگونه‌ی اندیشمندی دل سوخته و درد کشیده، برخوردار از خردی همیشه بیدار، چنان رهبری نهضت ملی را برعهده گرفت که غول شکست‌ناپذیر امپریالیسم انگلیس را به زانو درآورد و به ملت‌های زیر سلطه نیز آموخت که با پشتوانه‌ی عظیم اراده‌ی ملی، توانائی آن دارند که وحشیانه‌ترین نظام‌های استعماری را درهم کوبند و به افسانه‌ی شکست‌ناپذیری امپریالیستها که تکیه بر آهن و آتش دارند، پایان بخشند.

نبرد مردم ایران با امپریالیسم انگلیس، زمانی آغاز شد که نزدیک سه چهارم مردم جهان در زیر یوغ استعمار، زندگی سخت و توان فرسایی را می‌گذراندند و از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی بی‌بهره بودند.

مردم بسیاری از کشورهای زیر سلطه، دلیری آغاز مبارزه نداشتند و آنها که مبارزه را آغاز کرده بودند، در ورطه‌ی شکست و ناگامی بسر می‌بردند.

در چنان جوی، پنجه غول استعمار در افکندن، در چارچوب بسیاری از نگرشها نمی‌گنجید. ولی پیشوای نهضت ملی ایران که برخاسته‌ی انسانی و تاریخی ایرانیان تکیه داشت و در شناخت سیاست‌های جهان نیز بارها روشن بینی نشان داده بود با بهره‌گیری از تضادهای ناشی از برخورد ابرقدرتها، در گسترش پیکار رهائیبخش مردم لحظه‌ای دچار تردید نشد و بسا دلیری و بردباری و پیگیری، نهضت ملی را آنقدر پاسداری کرد تا به پیروزی رسانید.

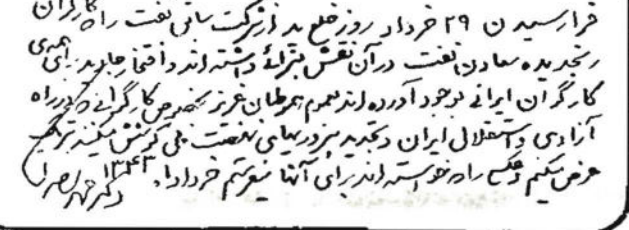
تفسیر اجتماعی و سیاسی مصدق، از ملی کردن صنعت نفت بگونه‌ی مبارزه در چارچوب اقتصادی نبود و شرکت نفت ایران و انگلیس را تنها سازمانی استعماری برای بهره‌کشی اقتصادی نمی‌شناخت.

مصدق مبارزه ملی کردن صنعت نفت را، نیاز ملی ایرانیان برای رسیدن به استقلال واقعی می‌شناخت و با چنین برداشتی

در یک چنین روزی رشته‌های اقتصادی بردگی را از هم بگسلند.

و در بخشی دیگر از این اعلامیه آمده است «پیش از همه، دشمنی بیدادگریهای استعمار که در شهرهای صنعتی جنوب، بر روی دریائی از ذخایر گرانبها فرمانروائی داشت بر قلوب کارگران به ویژه کارگران خوزستان فرو می‌نشست و آنان را از ابتدائی‌ترین و مشروع‌ترین وسایل زندگی محروم میساخت.»

در پایان اعلامیه نتیجه‌گیری شده است «بنابراین حقیقاً و از نقطه‌نظر منطق تاریخ باید روز بیست و نهم خرداد را به نام «روز کارگران ایران» نامید و به پاس فداکاری‌های این نیروی سازنده که رهبری نهضت بزرگ ضد استعماری را بعهده داشته است گردانید.



آنچه در این بررسی کوتاه گفتنی است و یادآوری آن غرور آفرین مییاشد، شکستناپذیری و روشن بینی کارگران صنعت نفت است که برغم تلاش‌های گسترده‌ی دشمن برای دامن زدن به اعتصابها و ایجاد آشوب و درگیری‌های داخلی چنان بر اعصاب تحریک شده و قهر خروشان خود حاکم گردیدند که کلامی و گامی برخلاف فرمان پیشوا که آنان را به حفظ «خونسردی و متانت» دعوت نموده بود ننگفته و بر نداشتند.

و بدینسان واپسین توطئه‌ها را که زیر پوشش فریبنده‌ی شعارهای به ظاهر دگرگون ساز و در حقیقت ویرانگر، نمایان میشد برهم زدند و ایمان و اعتقاد بی‌چون و چرای خود را به مصدق که در بردارنده نیاز آنان بود نشان دادند.

بیست و نهم خرداد، روز حماسه آفرین خلع ید از استعمار، بنا به پیشنهاد حزب ملت ایران، در اعلامیه‌ی شماره سه که در بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۳۱ انتشار یافت «روز کارگران ایران» نامیده شد.

در این اعلامیه چنین نوشته شده «روز بیست و نهم خرداد در تاریخ میهن ما به نام روز کارگران ایران ثبت گردیده است. زیرا در این روز فرخنده و بزرگ بود که.....

کارگران با پیروی کامل از برنامه آگاهانه‌ی ناسیونالیسم، توانستند به دوران سیادت استعمار انگلستان پایان داده پس از نیم قرن اسارت به سال ۱۳۳۰

منظور ملی تاکنون بی‌نهایت مؤثر بوده و یقین دارم این متانت و خونسردی قابل تحسین، تا پایان کار حفظ خواهد شد.»

بامداد روز فرخنده بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۳۰ به فرمان مصدق، دست توانای کارگران صنعت نفت جنوب، درفش ایران را بر سر در ساختمانهای شرکت و پالایشگاه آبادان و بر فراز دکل‌های نفت به اهتزاز در آورد.

چهره سوخته کارگران صنعت نفت که مژه تلخ استعمار را در تمامی لحظه‌های زندگی آمیخته به رنج خود حس کرده بودند، زیر درخشش آفتاب شهر طلای سیاه جلوه‌ای استثنائی داشت. موج پیروزی، نگاه‌های خسته را رنگ زندگی بخشید و از کارگر به خواری نشسته ایرانی، انسانی سربلند و به خویشتن خویش باز گشته ساخت.

خشم فروخورده‌ای که از تحمل سالیان دراز سلطه‌ی شوم استعمار بگونه‌ی کارفرمای انگلیسی در سینه کارگران زانگه‌های حصیر آباد و حلبی آباد نهفته بود، با فرمان مصدق بزرگ آتش فشانی از سازش‌ناپذیری گردید و آنها را که خود را «صاحب» خانه می‌پنداشتند، به شکل تحقیر آمیز از میهن بیرون راند و بر غم پیش‌بینی‌های دشمن که ایرانی را شایسته‌ی اداره‌ی بزرگترین پالایشگاه نفت جهان نمی‌دانست، چنان کارائی در نگهداشت و گرداندن آن از خود نشان دادند که موجب حیرت همه‌ی جهانیان گردید.

بهبود کامل وضع زندگی آنان تا سرحد پیروزی با عناصر مزدور بیگانه و همچنین هیأت حاکمه‌ی ستمگر مبارزه خواهد کرد و برنامه‌های اقتصادی خویش را بر پایه سعادت واقعی آنان تدوین خواهد نمود.»

بیست و نهم خرداد، «روز خلع ید»، روز تجلی نیروی عظیم کارگران ایرانی است، روزی که زنان و مردان کارگر، دسته شسته از جان، همه یک تن شدند و به ایران اندیشیدند و از خویشتن رها گردیدند و بگونه‌ی رهنمودی تاریخی سرنوشت ملت‌های زیر سلطه را رقم زدند. شگفتا که تاریخ تکرار شد و در پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران نیز، اردوی کارگران به ویژه کارگران مبارز صنعت نفت، با اعتصاب‌های پیگیر و ایثارگونه‌ی خود یکبار دیگر نقش چشمگیری ایفا کردند.

امروز در فضای میهن رها شده و از بند رسته‌ی ما، اگر سایه‌ی شوم انحصار طلبی امان میداد، حق بود شهر و روستا را به نام سیاست از پیکارهای سرنوشت‌ساز کارگران ایران، آذین بست و بی‌گمان آنها که به استقلال و آزادی ایران می‌اندیشند با نفرت از تحریف و دگرگونه جلوه دادن رویدادهای تاریخی، خاطرهای شکوهمند، دلآوری کارگران صنعت نفت را گرامی می‌دارند.

بیستونهم خرداد «روز کارگران ایران» روز بزرگ کشیدن پرچم استعمار و روز اهتزاز درفش پیروزی بر تارک تاریخ ایران، فرخنده باد.

حرمت قانون

عنوان «بزه» داد و هر «کیفر» که خود می‌خواست بر آن بار کرد، برخانه‌ها و ساختمانها، بی‌هیچ قانون، هجوم بردند و هر کس که زورمند بود، ساختمان یا خانهدلی به تصرف درآورد، نوشتاروها و روزنامه‌ها را هر سان که خواستند بریدند و دریدند و سوختند، گردهمائی‌های مردمان را، اینجا و آنجا، با سلاح سرد و گرم، از هم پاشیدند و گاه بی‌گناه پیگرد از رمق رفته و بخون کشیده انسانی را در شهر و بیابان رها کردند. بر استاد و دانشجو، بی‌محابا تاخت زدند، و هر کس که به دستشان افتاد به هر سان که خوا تند فرو کوفتند. وزیر دولت و نماینده ملت را شبانه از خانه‌اش بی‌هیچ رسیدگی و آگاهی به بازداشت بردند.

از اینگونه کارهای بی‌قانون بسیار بجا آورده‌اند، که همگان آگاهاند و دادن نمونه‌هایی از آن هیچ نیاز نیست.

این نایمی که در بیشتر زمینه‌های زندگی آدمی، پدید آورده‌اند و از رهگذر آن همه کشور را به تب و تاب افکنده‌اند، از یک چشمه آب می‌خورند، که بی‌حرمتی به قانون است.

آنان انقلاب را با بی‌قانونی اشتباه گرفته‌اند، باید به ایشان یاد داد که انقلاب قانون کهنه و ویناگر را برمی‌اندازد و به جای آن قانون تازه و سازنده می‌نهد و سپس آن را گرامی میدارد و بکار می‌بندد. انقلاب و بی‌قانونی با یکدیگر تفاوت دارند تفاوتی بسیار، تفاوتی از آسمان تا زمین.

آنان که بی‌حرمتی به قانون را پیشه ساخته‌اند، بدانند که ما را به سوی قانون جنگل می‌رانند، و بدانند که در گردبادهای چنین قانونی، خود آنان هم به جا نتوانند ماند.

قشقائی و حوادث فارس، وجود مراکز قدرت، مسئله گروگانهای امریکائی و تعطیل دانشگاهها سخن گفت.

فروهر درباره دستگیری خسرو قشقائی و تلگرام ناصر قشقائی و اقداماتی که تاکنون درباره خواستهای مردم اقلید و گروهی از عشایر فارس در این مورد انجام گرفته است گفت:

مصاحبه داریوش فروهر

بنظر من بعلت ناتوانی‌هایی که در کار دولت وجود داشت و حرکتهای مرکزهای قدرت خود کامه که در استانها و شهرستانها نیز مانند تهران عمل میکنند استان فارس از چندی پیش و در جریان انتخابات دست خوش نابسامانی‌هایی بوده و بخصوص در پیمان عشایر یک حالت برانگیختگی وجود داشت.

رفتار نادرست و خلاف قانون با آقای خسرو قشقائی نماینده مردم اقلید، وضع را در آن سامان بکلی ناآرام کرد و حتی برخوردی هم پدید آمد. عدم آگاهی مردم از حقایق و تناقض گوئیها همواره میتواند زمینه نابسامانی را فراهم آورد.

دیروز در حالیکه رئیس جمهور عنوان میکردند پرونده آقای خسرو قشقائی را دیده‌اند یا سخنگوی شورای انقلاب عنوان میکرد که پرونده ایشان بررسی شده است و نکته تاریخی در آن وجود ندارد باز قول یک منبع خبری سپاه پاسداران انقلاب اتهاماتی به آقای خسرو قشقائی وارد شد. بی‌شک این تناقض گوئیها اثر ناگواری در ذهن مردم میگذارد تا آنجا که من خبر دارم قرار بود آقای خسرو قشقائی و هیأتی که آقای رئیس جمهور برگزیده‌اند به شیراز بروند ولی چون این سفر انجام نگرفته تاکنون چند تلفن از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی شیراز بمن شده است که چند هزار نفر از مردم در فرودگاه اجتماع کرده‌اند و وضع حالت نابسامانی دارد. صرفنظر از اصل موضوع، از نظر من ناتوانی در تصمیم‌گیری و وجود مرکزهای قدرت خود کامه زنگ خطری است برای آینده کشور و اگر این وضع ادامه پیدا کند باید در انتظار رویدادهای ناگوار که میتواند تداوم انقلاب اسلامی ملت ایران را بخطر اندازد بود.

فروهر در باره ماهیت مراکز قدرت و اضطراب مردم در این خصوص گفت: وجود مرکزهای قدرت خارج از دولت و جمع عملکرد آنها هم یک اضطراب همگانی پدید آورده و هم دوران سازندگی انقلاب را دچار توقف کرده است. یکی از افتخارهای انقلاب اسلامی ملت ایران اینست که تاکنون چند بار از مردم نظر خواهی شده است، نوع حکومت را مردم در یک همه‌پرسی تعیین کردند، قانون اساسی را یک مجلس برگزیده مردم نوشت و برغم نقضاتی که در آن وجود داشت باز هم مردم در یک همه‌پرسی بان رأی مثبت دادند.

رئیس جمهور برگزیده شد، انتخابات مجلس با همه اشکالهایی که در کار آن وجود داشت انجام گرفت. زمینسازی برای سازمان دادن قوه مقننه بشکل پیش‌بینی شده در قانون اساسی صورت پذیرفت.

بقیه در صفحه هفتم

مرکزهای قدرت خود کامه را برچینید

گرانی مردم رابه ستوه آورده است

خشم مردم پی آمدهای دردناک خواهد داشت

کمپایی و گرانی سرسام آور، گذران زندگی را بمردم تنگ کرده است. پس از پیروزی انقلاب در شانزده ماه گذشته کار بدستار دولتی کوچکترین اقدامی برای پائین آوردن قیمتها و نظارت بر آن انجام نداده و نظیم پوسیده گذشته در تهیه، توزیع و قیمت گذاری کالاها پا برجا بوده و سرمایه داران، وارد کنندگان و دلالات با در دست داشتن اهرم قیمتها و افزایش روزانه آن تاکنون بنحوی عمل نموده اند که اگر برای رفع این دشواریها حرکتی سریع و انقلابی انجام نگیرد، پی آمدهای دردناکی خواهد داشت.

دولت، تولید کنندگان، وارد کنندگان، بازرگانان و فروشندگان هر یک گناه گرانی را به گردن دیگری می اندازند و میکوشند خود را برتره نمایند. درست است که علت فشار امپریالیسم آمریکا و تحریم اقتصادی در کنار واردات تنگناهایی بوجود آمده و ورود بسیاری از کالاها با اشکالهایی روبرو شده است ولی مردم در برابر این موضوع تعاهم کامل داشته و با صبر انقلابی کمبود بسیاری از کالاها را تحمل مینمایند ولی هر روز دیده میشود که بازرگانان و وارد کنندگان باین عنوان، هر فشاری را بمردم وارد میاورند و دولت هم تماشاگر صحنه بوده و هیچ اقدامی در جهت حمایت از مصرف کنندگان بعمل نمیآورد.

ایران از بسیاری از کشورهای جهان که هور با آنها رابطه اقتصادی دارد کالا وارد میکند و حتی بعضی از این کشورها بعنوان کمک بانقلاب ایران قیمت بعضی از کالاها صادراتی خود را تا بیست درصد تخفیف داده اند ولی دیده میشود که همان کالاها در بازارهای ایران به سه برابر قیمت یک سال پیش عرضه میگردد و یا کالاها مصرفی که در ایران تولید میشود به چند برابر قیمت سال گذشته فروخته میشود و مهمتر از همه گرانی سرسام آور بعضی از مواد غذایی و نیازهای روزمره مردم میباشد که نه از خارج وارد میشود و نه کمبودی در تولید آن حاصل شده است.

جو خشم انگیزی که این گرانی سرسام آور در جامعه بوجود آورده در دو هفته گذشته در گیریهای گوناگونی را میان فروشندگان خریداران باعث شده است که منجر به تعطیل چند بازار روز میوه و تره بار در تهران گردیده، همین چند روز پیش بحمايت از مادری که به همراه کودک قصد خرید اندکی میوه، داشت و بر سر گرانی قیمت و نداشتن پول کافی با اهانتها

بیشتر مردم، قدرت خرید نیازمندیهای خود رانداشته فقط گروه اندکی هستند که از داشتن پول کافی برخوردارند و در موقع خرید حتی قیمت آنها نمیبیرسند و توانایی تهیه هر چیز را دارند و یادسته نوکیسه دیگری که بتصدق سرانقلاب، صاحب نام، جاه و ثروت شده اند.

امروز گرانی سرسام آور، نگرانی روز شده و در هر خانه، دکان و ادارای صحبت از آن است، مردم نمیدانند با درآمد اندک و ثابت خود چگونه پاسخگوی افزایش روزانه هزینهها باشند.

گرانی فقط یک بغرنج اقتصادی بشمار نمی آید بلکه یک بغرنج سیاسی است که در حال آن باید کوشش بسیار کرد تا ضد انقلاب و دشمنان ایران بیش از این بسود خود از آن بهره برداری ننمایند.

سرمایه داران و زمینداران بزرگ که در «نظام آریامهری» دست اندر کار شهرک سازی و آپارتمان سازی بودند یادگروگن شدن وضع، سود خود را در راه دیگری جستجو میکنند و بیکار نشسته و قسمت عمده آنها دست بکار بازرگانی خارجی زده اند و بسیاری از کالاها را ضروری مردم را در انحصار خود در آورده اند و خون مردم را می مکند و بخصوص با تحریم اقتصادی اجیر از بیره های گوناگون، جنسهای خریداری رابه ایران رسانده و با استفاده از نبودن نظارت واقعی بهر قیمتی که بتوانند بمردم میفروشند.

دولت باید بیدارنگ اصل چهار و چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش تعاونی برای تولید و توزیع فرآورده های مورد نیاز عموم را بمورد اجراء گذارد و بانظارت بر قیمتها زسوه استفاده کردن سرمایه داران بزرگ و دلالات و از چپاول و غارت مردم جلوگیری بعمل آورد.

بناکمال تساسف وزارت بازرگانی باتشکیل مرکزهای تهیه و توزیع کالا نه تنها دست انحصار گران سودجوی بازرگانی خارجی را کوتاه نکرده است بلکه این لایحه باشکل تنظیم شده و چگونگی اجرای آن در خدمت سرمایه داران وابسته میباشد و گامی در راه تحقق بخشیدن اصل ملی کردن بازرگانی خارجی نخواهد بود.

بگفته دست اندر کاران، دولت تصمیم دارد که اصل چهل و چهار قانون اساسی را مرحله بمرحله پیاده نماید، ولی در مورد کالاهائی که وارد مینمایند از جمله گوشت از روش نادرست و غیر منطقی استفاده مینمایند و

امیدی به بهبود وضع آن نمیتوان داشت. در مورد گوشت دست سودجویان داخلی و خارجی بکلی بار گذاشته شده و کلیه سردخانه های کشور کمکم همین وارد کنندگان که این بار خریدار آنان دولت میباشد پر شده است.

در راه تحقق اصل ملی شدن بازرگانی خارجی دولت باید واردات کالا را خود بعهده گیرد و پس از قیمت گذاری واقعی وسیله شبکه های تعاونی توزیع و بازارهای دولتی، کالاها را بطور مستقیم در اختیار مصرف کننده قرار دهد. تنها در این صورت خواهد بود که بازرگانان عمده و سودجویان سرمایه دار و احتکار کنندگان نمیتواند هستی و دار و ندار مصرف کنندگان را عارت نمایند و تنها در این صورت است که چنانچه برای توزیع و فروش، کالاها در اختیار بخش خصوصی گذاشته شود نظارت بر قیمتها، امکان پذیر است و مردم نمیتواند کالاها را به قیمت ثابت و عادلانه تهیه نمایند.

اثر بخش ترین راه برای مبارزه با گرانی، افزایش تولید میباشد، کمبود کالا در بازار ساعت افزایی تقاضا بر عرضه صدها و طبعی است که گرانی را بوجود میآورد.

بطوریکه آمارهای انشمار یافته نشان میدهد، تولید داخلی تا چهل و پنج درصد و در بعضی رشته های صنعت حتی تا سی و پنج درصد کاهش یافته است. کاهش تولید علتهای گوناگون دارد که مهمترین آن نداشتن اعتبار، بودن مواد اولیه، عدم کارائی و شایستگی مدیران گمارده شده دولت، در گیری های کارگاهی و در نتیجه فلج شدن تولید میباشد که دولت باید با سیاستی سنجیده بر همه آنها که نیم بیشتری از آن ساخته عدم تجربه و ناتوانی دست اندر کاران است فائق آید و بتواند چرخ صنعت را بگردش در آورد و بخصوص بخشی از آن را که حتی مواد اولیه اش در ایران تهیه میشود، پر کار سازد و از گرانی روزافزون کالاها جلوگیری نماید.

در مورد فرآوردها و تولیدات کشاورزی و دامی، قیمت این کالاها سبب سال گذشته چندین برابر شده. بطور نمونه باید گفت گوشت نیاب و گران است با اینکه گفته میشود تمام سردخانه ها را از گوشت وارداتی پر کرده اند و گوشتی که وزارت کشاورزی و عمران روستائی خریداری کرده است در حدود نسی دو هزار دلار یا کمی بیشتر تمام شده است باید حدود کیلویی یکصد و شصت ریال در اختیار مصرف کننده قرار گیرد ولی مردم گوشت را کمتر از حدود کیلویی ششصد ریال نمیتوانند بدست آورند.

نان، میوه و تره بار گران است، هم اکنون قیمت هندوانه، کیلویی چهل تا پنجاه ریال است و برای

خرید یک کیلو میوه درختی باید تا حدود چهارصد ریال پرداخت، گرانی سرسام آور مردم را از خود بیگانه کرده و انقلابی بالحن تنیدی به گران فروشان اخطار نمودند و در پیام خود به این مناسبت اظهار داشتند «من از فروشندگان خصوصاً آنچه که مربوط به ارتزاق مردم است تقاضا میکنم دست از تعدی و اجحاف بردارند و به اخلاق اسلامی بازگردند» ولی باکمال تساسف پس از سپری شدن شانزده ماه که از پیروزی انقلاب می گذرد و شش ماه بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازم دیدیم میشود که انحصار، احتکار و باخواری نابود نشده و این پدیده های زشت سرمایه داری هنوز در جامعه انقلابی ما دیده میشود و دست اندر کاران دولتی نه تنها برای دگرگونی آن قدمی برنداشته اند بلکه در بسیاری از موارد تنگناها و نارسائی های تازه ای بوجود آورده اند که خود باعث گرانی سرسام آور امروز شده است.

مردم گرانی، بخصوص گرانی نان، گوشت، میوه و تره بار را از چشم وزارت کشاورزی و عمران روستائی و وزارت بازرگانی می بینند. اعتقاد دارند داشتن یک برنامه روش و گویا در تولید عامل اصلی این افزایش قیمتها می باشد. وزارت کشاورزی دست دلال ها را باز گذارده و بدون پیروی از هیچ سیاست خاص اقتصادی و تولیدی تماشاگر صحنه بوده و در عمل بر تولید توزیع و فروش همان نظامی حاکم است که در پیش از انقلاب وجود داشته است و بهمان روشها تولید کننده فرآورده های کشاورزی و دامی و مردم که مصرف کننده آن هستند وسیله سلف خرها و واسطه ها و فروشندوها چپاول و غارت میشوند. دولت در دوران انقلاب نه تنها نظام واسطه گیری و دلالی را دگرگون نکرده بلکه با سیاست نادرست خود به آنها فرصت و میدان فعالیت بیشتر داده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احتکار، انحصار و باخواری را منع نموده و رهبر انقلاب بالحن تنیدی به گران فروشان اخطار نمودند و در پیام خود به این مناسبت اظهار داشتند «من از فروشندگان خصوصاً آنچه که مربوط به ارتزاق مردم است تقاضا میکنم دست از تعدی و اجحاف بردارند و به اخلاق اسلامی بازگردند» ولی باکمال تساسف پس از سپری شدن شانزده ماه که از پیروزی انقلاب می گذرد و شش ماه بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازم دیدیم میشود که انحصار، احتکار و باخواری نابود نشده و این پدیده های زشت سرمایه داری هنوز در جامعه انقلابی ما دیده میشود و دست اندر کاران دولتی نه تنها برای دگرگونی آن قدمی برنداشته اند بلکه در بسیاری از موارد تنگناها و نارسائی های تازه ای بوجود آورده اند که خود باعث گرانی سرسام آور امروز شده است.

مردم گرانی، بخصوص گرانی نان، گوشت، میوه و تره بار را از چشم وزارت کشاورزی و عمران روستائی و وزارت بازرگانی می بینند. اعتقاد دارند داشتن یک برنامه روش و گویا در تولید عامل اصلی این افزایش قیمتها می باشد. وزارت کشاورزی دست دلال ها را باز گذارده و بدون پیروی از هیچ سیاست خاص اقتصادی و تولیدی تماشاگر صحنه بوده و در عمل بر تولید توزیع و فروش همان نظامی حاکم است که در پیش از انقلاب وجود داشته است و بهمان روشها تولید کننده فرآورده های کشاورزی و دامی و مردم که مصرف کننده آن هستند وسیله سلف خرها و واسطه ها و فروشندوها چپاول و غارت میشوند. دولت در دوران انقلاب نه تنها نظام واسطه گیری و دلالی را دگرگون نکرده بلکه با سیاست نادرست خود به آنها فرصت و میدان فعالیت بیشتر داده است.

نیازمندیهای روزمره، مردم را به تنگ آورده و قدرت زندگی را از آنها سلب کرده است و انتظار دارند که کار بدستان با برنامه ریزی درست وارد عمل شده و سخنرانی و کمیسیون بازی را کنار گذارده و به یاری آنها بشتابند و چنانچه در خود توانایی انجام این کار را نمی بینند با بینش انقلابی کنار رفته و کار را به کسانی که آگاهی و توانایی دارند، بسپارند.

فروشنده روبرو شد، درگیری سختی بوجود آمد و سبب گردید که زنان خانه دار خیابان گرگان وارد عمل شوند و با اعتراض

شدید خود بگرانی سرسام آور میوه در این بازار وسیله تعطیل آنرا فراهم آورند و بدنبال آن ساکنان منطقه های دیگر شهر تهران نیز اعتراض خود را بگرانی سرسام آور میوه و تره بار اعلام داشتند و نوبه خود سبب بسته شدن و تعطیل این مراکزهای فروش را فراهم آوردند.

البته در این بین چند فروشنده با انصاف هم در بازار روز خیابان حنیف نژاد وجود داشتند که اعلام نمودند که آنها سبب ساز گرانی قیمت میوه و تره بار نبوده و خود آنها بقیمت های عرضه شده در میدانهای بزرگ شهر اعتراض دارند و به حمایت از مصرف کننده دست به اعتصاب زدند و بازار خود را تعطیل نمودند.

تمام این روی داده ها و نارضیتهای موجود بر اثر گرانی سرسام آور کالاها و مصرفی و نیازمندیهای روزانه ه شداری است که توجه دست اندر کاران را به وحامت اوضاع جلب نماید.

امروز مردم برای هر چیزی چندین برابر قیمت آن در سنجش با قیمت های سال گذشته میبپردازند و از خود پرسش مینمایند، آیا افزایش بی رویه قیمتها در اثر بالا رفتن هزینه تولید است، آیا نرخ خدمات در ظرف یکسال این چنین افزوده شده؟ یا علتی جز سودجویی سرمایه داران واسطه ها و فروشندگان ندارد!

مردم براین اعتقاد هستند که دولت برای مبارزه با گرانی سرسام آور هیچ گام جدی تاکنون برنداشته است، نداشتن برنامه صحیح در زمینه تهیه و توزیع کالا و عدم توجه به نیاز و درآمد مردم و نظارت نمودن بر قیمتها وسیله ارگان های دولتی وضع پیچیده ای بوجود آورد، که زندگی روزمره را بمردم تنگ و نارضیتهای شدید فراهم آورده است.

ناآگاهی و ناتوانی کار بدستان، دشواری بزرگی بنام گرانی به خانه ما ایرانیان به ارمان آورده که از میان بردن آن ضرورت قطعی دارد

در دادرسی جاسوسان بازداشت شده رنگ نکند

آنان کیفری در خور، باز کرد. در به دادرسی کشیدن این جاسوسان، نباید از مفهوم های جعلی، حقوق بین المللی واهمه دانسته و فهمیده اند که ابرقدرتها از این حقوق فقط نامی بی اساس و بی محتوا به جا نهاده اند و تمامی ملت های جهان دانسته اند که به آتش کشیدن روستاها و ویتنام و قتل عام روستائیان آن توسط ارتش آمریکا، به موجب حقوق بین الملل نبوده است.

جهان آگاه شده اند که وظیفه اصلی که بر عهده سازمان «سیا» گذارده شده با اساس حقوق بین المللی سازگار نیست، همه می دانند که وظیفه اصلی این سازمان، توطئه و تحریک برای سرنگون ساختن حکومتانی چون حکومت «دکتر مصدق» در ایران و «السنده» در شیلی می باشد و امپریالیست آمریکا، هیچکدام از قاعده های حقوق بین الملل را به کار نبسته است.

این جاسوسان آمریکائی برای اجرای حقوق بین الملل و برقراری روابط عادی به میهن ما نیامده بودند اینان آمده بودند تا انقلاب اسلامی ملت ایران را اخط بنیاد مند خود دور کنند و به استقلال ملی، آزادی های فردی و اجتماعی مردم، تجاوز کنند و بی کیفر گذاردن این گروه به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.

بقیه در صفحه پنجم

شدید خود بگرانی سرسام آور میوه در این بازار وسیله تعطیل آنرا فراهم آورند و بدنبال آن ساکنان منطقه های دیگر شهر تهران نیز اعتراض خود را بگرانی سرسام آور میوه و تره بار اعلام داشتند و نوبه خود سبب بسته شدن و تعطیل این مراکزهای فروش را فراهم آوردند.

البته در این بین چند فروشنده با انصاف هم در بازار روز خیابان حنیف نژاد وجود داشتند که اعلام نمودند که آنها سبب ساز گرانی قیمت میوه و تره بار نبوده و خود آنها بقیمت های عرضه شده در میدانهای بزرگ شهر اعتراض دارند و به حمایت از مصرف کننده دست به اعتصاب زدند و بازار خود را تعطیل نمودند.

تمام این روی داده ها و نارضیتهای موجود بر اثر گرانی سرسام آور کالاها و مصرفی و نیازمندیهای روزانه ه شداری است که توجه دست اندر کاران را به وحامت اوضاع جلب نماید.

در دادرسی جاسوسان بازداشت شده رنگ نکند

آنان کیفری در خور، باز کرد. در به دادرسی کشیدن این جاسوسان، نباید از مفهوم های جعلی، حقوق بین المللی واهمه دانسته و فهمیده اند که ابرقدرتها از این حقوق فقط نامی بی اساس و بی محتوا به جا نهاده اند و تمامی ملت های جهان دانسته اند که به آتش کشیدن روستاها و ویتنام و قتل عام روستائیان آن توسط ارتش آمریکا، به موجب حقوق بین الملل نبوده است.

جهان آگاه شده اند که وظیفه اصلی که بر عهده سازمان «سیا» گذارده شده با اساس حقوق بین المللی سازگار نیست، همه می دانند که وظیفه اصلی این سازمان، توطئه و تحریک برای سرنگون ساختن حکومتانی چون حکومت «دکتر مصدق» در ایران و «السنده» در شیلی می باشد و امپریالیست آمریکا، هیچکدام از قاعده های حقوق بین الملل را به کار نبسته است.

این جاسوسان آمریکائی برای اجرای حقوق بین الملل و برقراری روابط عادی به میهن ما نیامده بودند اینان آمده بودند تا انقلاب اسلامی ملت ایران را اخط بنیاد مند خود دور کنند و به استقلال ملی، آزادی های فردی و اجتماعی مردم، تجاوز کنند و بی کیفر گذاردن این گروه به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.

بقیه در صفحه پنجم

شدید خود بگرانی سرسام آور میوه در این بازار وسیله تعطیل آنرا فراهم آورند و بدنبال آن ساکنان منطقه های دیگر شهر تهران نیز اعتراض خود را بگرانی سرسام آور میوه و تره بار اعلام داشتند و نوبه خود سبب بسته شدن و تعطیل این مراکزهای فروش را فراهم آوردند.

البته در این بین چند فروشنده با انصاف هم در بازار روز خیابان حنیف نژاد وجود داشتند که اعلام نمودند که آنها سبب ساز گرانی قیمت میوه و تره بار نبوده و خود آنها بقیمت های عرضه شده در میدانهای بزرگ شهر اعتراض دارند و به حمایت از مصرف کننده دست به اعتصاب زدند و بازار خود را تعطیل نمودند.

تمام این روی داده ها و نارضیتهای موجود بر اثر گرانی سرسام آور کالاها و مصرفی و نیازمندیهای روزانه ه شداری است که توجه دست اندر کاران را به وحامت اوضاع جلب نماید.

ملی کردن بازرگانی خارجی را باز پس نیاندازید

ضرورت گسترش نهضت کارگری

همه کارگران ایران را به ایجاد اتحادیه‌های کارگری فرامی‌خوانیم

سازمانهای کارگری، در روزهای نخستین استقرار صنعت، شیوه‌ی عمل و هدفهایی دارند، که به طور طبیعی خاص دوران نوجوانی صنعت است. دوران نوجوانی صنعت، با حال و هوای اجتماعی و سیاسی ویژه‌ی همراه است که کمتر رنگ مردم‌سالاری و بیشتر جنبه تمرکز قدرت را دارد و در همه وقت یکسان نیست. ساختهای تاریخی هر جامعه، این حال و هوا را دگرگون می‌دارد و گاه آن را به تمرکز قدرت بسیار و بی‌اثر ماندن جلوه‌های مردم‌سالاری می‌راند و گاه جامعه را به تمرکز قدرت کمتر و بهره‌مندی بیشتر از مردم‌سالاری میکشاند، تفاوت این دو پدیده کم یا زیاد میشود ولی تجربه‌های تاریخی نشان داده این تفاوت بیشتر به سود قدرت تمرکز یافته باقی می‌ماند.

تمرکز قدرت در ساخت اجتماعی و سیاسی، خواه و ناخواه، دامنه اثرهای خود را، به همه صحنه‌های زندگی اقتصادی جامعه و از آن جمله کارگاهها و کارخانهها، گسترش میدهد. در دوران نوجوانی صنعت، در هر حال و در هر جا، همواره چنین بوده است و جز این هم نتواند بود، که در داخل کارگاه و کارخانه قدرت متمرکز به گونه یک ضرورت تلاش کند تا به حاکمیت بنشیند.

این چنین قدرتی، واکنشهای سازمانهای کارگری را، به گونه‌ی ناگریز، به راستاهای خاص می‌کشاند و این سازمانها در برابر قدرت عریان و بی‌محابای حاکم‌بر کارگاه، راهی ندارند جز آنکه به ستیزه برخیزند، ستیزهای هرچه گرمتر و هرچه بی‌امان‌تر.

دوران نوجوانی صنعت، بدین سان، با درگیری‌های تند و شورانگیز کارگاهی همراه است و در این دوران رسالت سازمانهای کارگری از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است و قهرمانیهای کارگران در این دوران، جلوه‌های درخشان از ستیزه بی‌امان با قدرت حاکم دارد سازمانهای کارگری در این میان، رسالت آن را دارند که کارگران را در نظم و ویژه‌ی جای دهند روحیه ایشان را برای نبرد با سودجویی کارفرما، آماده سازند سازمانهای کارگری در این دوران اگر در حیات سیاسی کشور دخالت کنند فلسفه کار و رهنمای تلاش آنان، اندیشه حفظ حقوق و منافع کارگران است.

رشد و توسعه صنعتی و گسترش آن در زمینه‌های گوناگون زندگی بشری، خواه و ناخواه، نظام تمرکز قدرت را برهم می‌زنند و جنبه‌هایی از مردم‌سالاری

را در ساخت اجتماعی- سیاسی به کار می‌گیرد. پیشرفتهای فنی و به میان آمدن شیوه‌ی تولید انبوه، چنان اقتضا می‌نماید که واحدهای صنعتی عظیم با سرمایه‌های سنگین و شمار بسیار کارگران پدید آید و پدید آمدن چنین واحدهای سنگین صنعتی و بسیج انبوه مردم به صورت کارگر صنعتی، حیات عمومی جامعه را با صنعت پیوندی ناگسستنی می‌بخشد و صدای صنعت در فضای سیاسی کشور طنین می‌افکند. صنعت در شکل پیشرفته و گسترده خود، به یکی از خاستگاه‌های اصلی اقتدار سیاسی بدل میشود و صنعت دیگر فقط یک قدرت اقتصادی باقی نمی‌ماند.

جای گیری صنعت در حیات سیاسی و گسترش زمینه‌های عملکرد آن و فراگیری آن در کشاورزی و بسیاری از بخشهای خدماتی و جدا شدن اجتناب ناپذیر مالکیت صنعتی از مدیریت، حال و هوای صنعت را دگرگون می‌دارد.

نگاهداری و از اینراه، برانداخته و چگونگی تولید آسیبهای غیرلارم وارد آورد، به افق‌های سیاسی کشور نگاه میکند و در من حیث سیاسی- اجتماعی کشور جای می‌گیرد.

نهضت کارگری با شناخت و قبول مسئولیت اقتصادی خود در گسترش نظام صنعتی، به تلاش می‌پردازد تا موضوع‌های سیاسی و حقوقی به دست آورده را استوار سازد و گسترش بخشد و مجموع این تلاش با رمیها و نظامهایش را در کشورهای صنعتی پیشرفته، سندیکالیسم نام نهاده‌اند.

سندیکالیسم، همپای رشد صنعت، در کشورهای پیشرفته صنعتی شکل گرفت، و همچون بسیاری دیگر از بهادها و اندیشه‌های پدید آمده از صنعت، به کشورهای که صنعت نوپا دارند، فرستاده شد. ما، همراه با ابزارهای صنعتی و ماشینی تاره، این اندیشه را نیز دریافت کردیم ولی به سبب آنکه در میهن ما، تمرکز شدید قدرت، هر رنگ و نمود مردم سالاری را از جلوه انداخته بود، سندیکالیسم نتوانست در نهضت کارگری ایران جای شایسته خود را در یابد.

سندیکالیسم برای آنکه بتواند میراث مناسب خود را در حیات اجتماعی- سیاسی احراز کند، به حداقلی از مردم سالاری برای بالیدن و قد کشیدن به فضای آزاد سیاسی و فکری نیاز دارد، بدون وجود چنین فضائی، حیات یافتن و به حرکت درآمدن سندیکالیسم میسر نیست و چون چنین فضائی در میهن ما وجود نداشت، به ناچار، سندیکالیسم نتوانست حیات یابد و اعلام وجود کند.

ایک فضای سیاسی و فکری میهن ما، دست کم آن اندازه آزادی را، که برای پدید آمدن حرکت کردن سندیکالیسم لازم میباشد، فراهم داشته است و سندیکالیسم می‌تواند و باید، با بهره‌گیری از شرایط موجود آغار به حرکت کند. اکنون سندیکالیسم به فقط میتواند بلکه به گونه‌ی یک مسئولیت سنگین تاریخی، دست‌اندر کاران نهضت کارگری و طیفه دارد، که به آبیاری و پرورش سندیکالیسم دست برسد.

سندیکالیسم فقط حالت پذیرندگی ندارد، سندیکالیسم در زمینه سازندگی و توسعه ملی، مسئولیتهای سنگین بر شانه دارد. سندیکالیسم تنها یک پدیده‌ی برآمده از رشد صنعتی و توسعه اجتماعی نیست، سندیکالیسم در فراهم آوردن زمینه رشد صنعتی و توسعه اجتماعی کشور، ما موریتها دارد که باید آنها را ادا کند و متوقف ماندن یا کند حرکت کردن سندیکا لیزم، به حیات ملی آسیب می‌زند.

سندیکا لیزم، مانند هر پدیده‌ی اجتماعی - اقتصادی دیگر، با مجموعه شرایط پیرامون خود در ارتباط متقابل و فرایده است

و اگر فضای آزاد فکری و سیاسی ورشد صنعتی، رمیه پدید آمدن سندیکا لیزم را هموار می‌دارد. سندیکا لیزم هم، با استوار داشتن ریشه‌های خود و با نظم بخشیدن به نهضت کارگری به استقرار فضای آزاد فکری و سیاسی و به رشد صنعتی، یاری‌های می‌رساند.

سندیکا لیزم، در رشد طبیعی جامعه‌ای که رو به صنعتی شدن دارد، یکی از عوامل‌های اصلی است و دارای وظیفه‌ای میباشد، که دیگر عامل‌های اجتماعی به ایفای آنها، قادر نیستند. سندیکا لیزم، وظیفه دارد، با بهره‌گیری از موضوع حقوقی سیاسی خود، شرایطی را فراهم آورد که در پرتو آن بتوان یک شبکه گسترده از قاعده‌ها و سنت‌های صنعتی پدید آورد که حاکم بنا بر روابط عملیاتی گوناگون صنعت باشد.

سندیکا لیزم، وظیفه دارد، شرایط لازم برای پدید آمدن و پاگرفتن «ساخت قضائی» صنعت را آماده کند و سپس به گسترش یافتن این ساخت کمک‌های اساسی نماید.

سندیکا لیزم، وظیفه دارد تمام شرایط لازم برای امنیت روانی کارگران را تدارک ببید. سندیکا لیزم وظیفه دارد، بر احساس تنهایی کارگران غلبه کند و در آنها احساس وابستگی به یک مجموعه نیرومند را بیدار سازد.

سندیکا لیزم وظیفه دارد با شرکت دادن کارگران در تصمیم‌گیری‌های گوناگون، در وجود ایشان ادراک مسئولیت‌های کارگاهی و سیاسی را برانگیزد. سندیکا لیزم، وظیفه دارد به کارگران موقعیت اجتماعی، حیثیت سیاسی و ثبات عاطفی ارزانی سازد. سندیکا لیزم وظیفه آموزشی سنگین و گسترده‌ای در برابر کارگران دارد و باید برای آنها یک آموزشگاه، یک پشتیبان و یک حلقه ارتباطی با همه فصاهای پیرامون باشد و حاصلات لازم برای رشدی در متن حیات صنعتی را در کارگران بپرورد. سندیکا لیزم دهها وظیفه اساسی دیگر در برابر کارگران دارد، که هیچ بهاد دیگری را نمیتوان سراع کرد تا همه این وظیفه‌ها را با نرمی و آرامی در برابر کارگران بانجام رساند.

سندیکالیسم در برابر جامعه ملی نیز وظیفه‌های بسیار بر عهده دارد و میباید از حقوق آزادیهای فردی و اجتماعی مردم دفاع کند و در راه گسترش آن کوشش نماید.

سندیکالیسم می‌باید در ایجاد و نگهداری تعادل اقتصادی جامعه، از طریق متناسب داشتن مردها و قیمتها، تلاش نماید. سندیکالیسم باید پیشرفتهای فنی و صنعتی را با ساحت‌های روانی و اجتماعی کارگران هماهنگ کند تا از پدید آمدن بی‌تعادلی در ساحت عصبی جامعه جلوگیری شود. سندیکالیسم باید حلقه ارتباط

روشنفکران با فضاهای فکری کارگری باشد، تا این دو گروه بزرگ اجتماعی از یکدیگر به دور بیفتند.

سندیکالیسم باید حواستهای اقتصادی جامعه را در حسد متناسب از کارگران بحوید و به جامعه ملی عرصه دارد به طور کلی، همان گونه که «حقوق عمومی» تعادل روابط فرد و حکومت را فراهم می‌آورد، سندیکالیسم هم باید، به تعادل بخشیدن به روابط کارگر با فضای کارگاه و با فضای عمومی کشور بپردازد.

راست است که سندیکالیسم، هرگز دارویی شفا بخش همه دردهای کارگری نیست و

راست است که سندیکالیسم، هرگز به تنهایی قادر به فراهم آوردن تعادل‌های اساسی جامعه نیست، ولی به گفتگو در هر دوی

این رمیها، سندیکالیسم اثرهای شایسته بر جا می‌گذارد.

سندیکالیسم یک نهاد اساسی صنعت است و هر تلاش برای جلوگیری از بر آمدن و بالیدن آن، در حقیقت کشایدن جامعه به کام تلاطم‌های گونه‌گون است.

سندیکالیسم بحش بر رگی از حیات اجتماعی کارگران و ستون استواری در ساحت سیاسی جامعه است. هر کوشش در گسترش سندیکالیسم، به معنای کوشش در اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی و پایداری و همبستگی جامعه ملی است.

حزب ملت ایران، همه رنان و مردان کارگر را در آستان روز فرخنده خلع یدار استعمار، روز کارگران ایران، به گسترش سندیکالیسم و ایجاد اتحادیه‌های کارگری فرا می‌خواند.

آگهی اصلاحی

خانم عرت قیدی بشناسنامه ۹۴ صادره دارآباد شمیران بشرح دادخواست کلاسه ۴۷/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان محمدرضا موسوی بشناسنامه ۲۲۷۹ تهران در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۱ در محل اقامتگاه دائمی خود تهران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتند از یک عیال دائمی بنام متقاضیه و سه دختر بنامهای ۱- گلنار موسوی بشناسنامه شماره ۲۰۹ صادره تهران ۲- گلنار موسوی بشناسنامه شماره ۲۱۱ صادره تهران ۳- مرصده موسوی بشناسنامه شماره ۳۱۱۰ صادره تجریش و مادر بنام عرت محمودی بشناسنامه شماره ۳۷۸۸ صادره تهران و بعیر از نامبردگان فوق ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب یک نوبت اصلاحی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا آگهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران - افشارچی

رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران - افشارچی

بجای روزنامه جبهه ملی آقای عبدالله خردپی به شناسنامه ۵۷- تهران بشرح دادخواست کلاسه ۵۸/۳۵- ۱۳۳۶ این شعبه توضیح داده شادروان دسته گل کیانی بشناسنامه ۶۸۵۷ در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۰ درگذشت وراثت حین الفوت آن مرحومه عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر همسر دائمی متوفی

آگهی ضرورات

خانم رهرا متاسف‌جو بشناسنامه ۳۴۵، رامسر شهسوار، بشرح دادخواست کلاسه ۴۷/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان محمدرضا موسوی بشناسنامه ۲۲۷۹ تهران در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۱ در محل اقامتگاه دائمی خود تهران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتند از یک عیال دائمی بنام متقاضیه و سه دختر بنامهای ۱- گلنار موسوی بشناسنامه شماره ۲۰۹ صادره تهران ۲- گلنار موسوی بشناسنامه شماره ۲۱۱ صادره تهران ۳- مرصده موسوی بشناسنامه شماره ۳۱۱۰ صادره تجریش و مادر بنام عرت محمودی بشناسنامه شماره ۳۷۸۸ صادره تهران و بعیر از نامبردگان فوق ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب یک نوبت اصلاحی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا آگهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران - افشارچی

رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران - افشارچی

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا آگهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

تداوم انقلاب، در گرو ایجاد دولت با اقتدار است

از نوشتارهای رسیده

۵- از خرمشهر پرونده‌های سراغ دارم که قاضی شرع تمام اموال متهمی را مصادره کرده است باین اتهام که متهم مالیات بدولت نداده است. آیا دعوی مالیاتی مربوط بوزارت دارایی نیست؟ چه مبلغ مالیات؟ و چه تناسبی میان خواسته (مدعی به) و محکوم به وجود دارد؟ مدعی کیست؟ مدعی به چیست؟ دلیل اثبات دعوی چیست؟ و فرقی دعوی عمومی و خصوصی چیست؟ و در این کیفر خواست قاضی شرع تمام اموال زیدی را مصادره میکند باستثنای یک خانه و بعد میبوسد حکم شامل اقربای درجه اول متهم میشود یعنی اگر پدر و مادر متهم ۷۰ یا ۸۰ سال قبل چیزی داشته‌اند باید بعنوان جزای عمل فرزند بمستضعفان بدهند من این کیفر خواست و حکم را دارم. خوب آیا این عمل اسلامی است؟ در کجای دنیا اینطور قضاوت میکنند پس آیه ولا تزرو ازره و زرا حری مال کجاست؟ و این قاضی واقعا مجتهد است و اینست قضاوت شرعی؟ و اگر آیت‌الله قمی میگویند احکام غیر شرعی صادر میشود باید هژبر سنگسری را بهانه قرار داد و با آبروی یک مرجع بازی کرد؟

۶- در قوچ حصارشهر ری بدستور چند پاسدار زمین کشت شده چند نفر آبرومند که مستضعف واقعی هستند ولی نام و نشانی دارند اما از داشتن یک آپارتمان مسکونی محرومند را بهانه تقسیم اراضی متصرف شدند و مباشر کشاورزی را توقیف کردند. آیا این توقیف غیر قانونی نیست؟ شخص توقیف شده شکایت به دادسرای انقلاب کرد بجائی نرسید.

آیا این زندانی کردن درست است؟ و اگر یک نفر قاضی دادگستری یا پاسبان این کار را بکند آیا میدانید چه مجازات سنگینی دارد، آیا برای این خودسری‌ها چه مجازاتی تاکنون اجرا شده است؟

۷- از دادسرای انقلاب تهران خانه و دارائی پیرزنی را با اتهام مصادره اموال شوهرش بردند حتی قاشق و چنگال و ظرف غذاخوری، در حالیکه این پیرزن دختر شخصیتی بود که از شوهر متمول تر و قباله ملکی قبل از ازدواج دارد. آیا این عمل با قانون اسلام میسازد.

اکنون این پیرزن در یک اتاق زندگی میکند و برای پول آب و برق و تلفس مانده و دهها نفر بمن مراجعه میکنند. آقا شمارا بحدای فکری نکیند، آیا مستضعفها باید این پولها را بچورند؟ این عمل مستضعف آفرین است یا مستضعف پرور؟ تمام این مطالب مستند است و حاصریم این مدارک را در صحه ملاحظه تلویزیونی ارائه کنم.

۸- در نظام قضائی یک قاضی حرأت ندارد محل مأموریت خود را بدون اجازه مقام مافوق ترک کند و یا از حوره قضائی خارج شود والا محاربات میشود. آیا این محاربات برای قاضی شرع وجود دارد که هر وقت دلش خواست میرود مأموریت و هر وقت هم بخواست قهر میکند و میرود؟

۹- در نظام قضائی قاضی متخلف دارای مسئولیت جزائی است و ترس از محاربات او را وادار میکند که ضوابط را رعایت کند. آیا قضاوت شرع کدام صایطه را رعایت میکند؟ چه مسئولیت جزائی دارند؟ حتما جواب میدهند مجتهدند و غیر مسئول و مسئولیت آنها شرعی است. شرعی که خودشان تشخیص میدهند. و جاهل را باعالم بحت نیست و از حد میترسد وووو...

بله من اینها را خوب میدانم و باتوجه بهمه این مطالب خود را موظف دانستم مقاله را بنویسم. بالاخره باید یکی قربانی شود و انتحار سیاسی کند. بگذارد آن فرد من باشم تا آیت‌الله قمی‌ها خوب نخورند و آبروی اسلام محفوظ بماند. اینها درد یک مرجع تقلید است که خود را حافظ اسلام و پاسدار مکتب قرآن و عترت میدانند و اگر کسی بحدود اجازه داد در مقابل این انتقادهای بگوید اسلام شما اسلام آمریکائی است باید در جوابش گفت پس اسلام شما هم اسلام روسیه است و شما بجای پیاده کردن اسلام به کمونیسیم رشوه میدهید.

۱۰- در نظام قضائی دادسرای انتظامی وجود دارد و برای قاضی متخلف جائی از توبیخ موجود است و در اسلام نیز هنگامی که علی (ع) به شریح خطاب میکند هذا اول جورک و در جائی دیگر که میخواهد او را عزل کند میتوان نظیر این محارباتها را یافت. ولی در دادگاههای انقلاب نشان بدهید صایطه انتظامات کدام است و مردم در مقابل تضییع حقوق خود چه تضمینی دارند؟

میدانم که جواب میدهید. ما اخطائهم القاصی فعلی بیتالمال. و همین فکر باعث غرورها و گرفتاریها و خودسری‌ها شده است.

۱۱- یکی از مسائل مورد توجه فقهای اسلام در مورد حق لباس سد بسبب حجاج و منازعه است در حالیکه روش دادسراها تحریک باقامه دعوی و دعوت بشکایت کردن است.

۱۲- در مورد حق الله مسئله در حدود به شبهات آن چنان مورد توجه است که فقها میگویند بیجوز ایقاف الاقرار فی حقوق الله یعنی قاضی میتواند اقرار متهم را در حق الله توقیف کند تا مجازات نشود.

۱۳- مسئله احراز عدالت شهود بشاهدین عدلین در کدام دادگاه مورد توجه است؟

۱۴- مسئله استحباب تفرقه گواهان در چند حال عمل شده است؟ ماهر چه میبوسیم از شهود دستجمعی در حضور یکدیگر استشهاد میکند.

۱۵- در تمام کتب فقهی شیعه و کتاب قضا و رویه قضائی

وکلای شرافتمند دادگستری با نزدیک شدن خطر، برای حفظ استقلال کانون و کلا متحد شویم .

در رابطه با تصمیم شورای انقلاب برای تعطیل اسبابات هیئت مدیره کانون تلگرام زیر مباحثه شده است.

جناب آقای رئیس جمهور

روبوشت مجلس شورایی ملی جمهوری اسلامی ایران- روبوشت جناب آقای فروهر

حسب اعلام هیئت نظارت انتخابات کانون وکلاء که در حدود یک ماه پیش با اطلاع عموم رسیده است امروز (شبهه ۲۴ خرداد) برای انتخابات هیئت مدیره کانون وکلاء تعیین شده است. متأسفانه در آخر وقت روز پنجشنبه از طریق رادیو اطلاع حاصل شد که حسب تصمیم شورای انقلاب، انتخابات کانون تعطیل شده و انجام آنرا موکول به پاکسازی در جامعه و کالت نموده‌اند. بدون اینکه تاریخ انجام پاکسازی و ضرب الاجل آن معین باشد. اتخاذ چنین تصمیم خلق الساعه و اعلام آن در رادیو در آخرین لحظات که وکلای دادگستری از اقصی نقاط کشور به سائقه انجام وطیعه اجتماعی و صنفی بتهران آمده‌اند حکایت از یک وضع غیرعادی و غیراصولی میکند. بخصوص که این تصمیم طبق معمول با امضاء رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب ابلاغ شده است. هیچیک از وکلای دادگستری مخالف با تصفیه جامعه و کالت از عناصر ناصالح نیست ولی تعطیل کردن انتخابات کانون باین سبب هیچگونه محور قانونی و منطقی ندارد زیرا کانون وکلاء ۳۰ نفر از عناصر مرتبط با سواک را که شناسائی شده بودند از جامعه و کالت طرد نموده و اگر بار هم عناصر معدودی از این قماش در بین وکلاء وجود داشته باشد بسبب عدم همکاری دستگاههای دولتی و مرکز اسناد ملی در معرفی آنها است که سواست موجود در کانون مؤید این مطلب است. وکلای بیر که در خدمت رژیم گذشته بوده یا با آن همکاری داشته‌اند اکثر متواری و در خارج کشورند لذا بسبب وکلای که از هر دسته و گروه مشمول تصفیه واقع خواهند شد به نسبت تعداد وکلای دادگستری که اکثریت قریب ساتفاق آنها را شرافتمند، آزاده و صالح تشکیل میدهد آنقدر نیست که بتواند در رو بوشت انتخابات مؤثر باشد

تعطیل انتخابات کانون باین عنوان، جر این نیست که وکلاء دادگستری از حق مشروع و قانونی خود برای اداره امور خویش محروم شده و اولین ضربه باستقلال این نهاد اجتماعی که در کمال افتخار و وظائف خود را نسبت بانقلاب ایران صمیمانه انجام داده است وارد گردد.

با توجه بمراتب ضمن اعتراض شدید باین تصمیم که منافی استقلال کانون وکلاء دادگستری است، تقاضا دارد از هرگونه دخالت که موجب تأخیر انتخابات گردد ممانعت بعمل آورند.

دکتر اسدالله مبشری

ابراهیم فخرائی

دکتر عبدالکریم انواری

محمود ابطحی

انور حمیدی

احمد رضی رضوی

منوچهر مسعودی

علی اشرف منوچهری

دکتر حشمت‌الله مقصودی

در دادرسی جاسوسان بازداشت شده درنگ نکنید

همه‌ی این آئین‌ها به جای خود باقی است و می‌تواند در مورد جاسوسان بازداشت شده و سایر برهکارتی که به دادرسی خوانده می‌شوند به موقع اجراء درآید و درایس رمینه جای هیچگونه نگرانی نیست. بی دادرسی و کیفر گذاردن جاسوسان زندانی ورها کردن آنها بهر شکل، پذیرفتن نوعی تبعیض در اجرای عدالت است که شایسته نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد.

اکنون که در کشور ماهمه‌ی برهکارتی بسختی کیفر می‌بینند و هیچ گذشته وجود ندارد، آزاد کردن اصلی‌ترین جنایتکاران که برضد حاکمیت ملی ایران توطئه میکرده‌اند به نام و عنوان ایسک آمریکائی هستند آنهم بدون دادرسی بسیار ناروا است.

همه برهکارتان باید به دادرسی خوانده شوند و برای هر کدام به تناسب جرم خود کیفر تعیین شود و این اصل درست حقوقی، بر امریکائی و ایرانی به یکسان صادق است و جاسوسان را از این امر بی‌کتاب و باز گذاردن دست آنها در ارتکاب جرم، بی اعتباری به حق حاکمیت ملت‌هاست.

یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای در گذشته نرد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بسدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هروصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران عبائی
م الف ۲۳۸۱۶
۳-۳

آگهی حصر وراثت
بجای روزنامه حربه ملی آقای دکتر حبیبعلی کابلی وکیل دادگستری و محمدرضا سیف سیریری کارآموز و کاتب شرح دادخواست کلاسه ۱۴۴۹/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان سیدحسین دشگیر شناسنامه ۶۷ در تاریخ ۵۸/۲/۱۰ در گذشته ورنه وی عمارتست از خاتم دشگیر شناسنامه ۲۱۹۹۲ مادر منوفی لذا مراتب سه بوبت ماهی

اویسی جلاد

مجمعی کردند مرغان جهان - آج بودد آشکارا و بهان گفتگوها. کردند و رایی های بسیار نمودند و سرانجام «هدهد» آن پیشوای «هادی شده» را که ریان همه مرغان را میدانست به سر کردگی برگزیدند و از او شنیدند که میگفت: هر که اکنون از شما مردهید سربراه آرید و پا ندر نهید فوج فوج. مرغان بحرکت درآمدند و برای ربارت سیمرغ بسوی کوه قاف پرواز کردند.

سالها رفتند در شیب و فرار

صرف شد در راهشان عمر دراز بیابانها در نور دیدند، همراهانی در تف آفتاب سوختند، یارانی گرفتار شیران و پیلگان شدند، منافقانی که در آرزوی «دانه» چون دیباپرستانی «دیوانه» برادران راهپیمای خود را کشتند، یاسها و حرمانها را از خود دور کردند، وادیها را یکی پس از دیگری پشت سر نهادند و سرانجام: زان همه مرغ اندکی آجا رسید

از هزاران کس یکی آنجا رسید پیروزی از آن مرغان خسته و دل شکسته و رنجور گردید و رسیدند به آنجا که باید برسند. اما: خویش را دیدند سیمرغ تمام

بود خود سیمرغ، سی مرغ مدام بزبان دیگر، حقیقت مطلق و عدالت بزرگ و طهارت و فصیلت کامل در خودشان بود و خود بودند مظاهر تحلی آنچه را که می جستند.

نحن اقربالیه من حبل الوریث

برگردیم به احوال رزمندگان زمانه خود، رزمندگانی که از کنار سیلابهای خونین گذر کردند و جان سلامت بدر بردند. یادآوری از یاران رفته، که در خون خود غوطه خوردند با امید رسیدن به پیروزی و شستشو در چشمه خورشید!

از فرادای انقلاب، ما بدنبال «صدانقلاب» حرکت کردیم، خواستیم «طاغوت» را بزنجیر کشیم، خواستیم «شاه» را که نماد همه مفاسد و ناپهناجاریها بود، بدادگاه عدالت اسلامی بیاوریم و انتقام بیفصلی آنها را از او بگیریم. خواستیم همکار جاسنکار شاه حاش، اویسی بی آرم، آن جلاد خون آشام را سر از تن ببریم، خواستیم همه دیوان مهیب و آدمخوار را بسرای اعمال پلیدشان برسانیم.

با اینکه ادعا داشتیم، چون روز نخستین رهبری «هدهدادی شده» را پذیرفتیم اما در حرکت نمی دانیم چه بر سرمان آمد؟ آن مرغان برای رسیدن به «سیمرغ» حرکت کردند و حواسند در آن «حیات» یابند.

ما برای دستیابی به «طاغوت» حرکت کردیم و خواستیم در نابودی آن «حیات» یابیم. آن مرغان در هروادی و مزلی تیزه بیشتری یافتند، خودپرستی و نفس گرانی و چندگانگی را کنار نهادند:

ما اسیر نفس شدیم. خود خواه شدیم. یگانگی و «وحدت کلمه» را فراموش کردیم. چندگانه شدیم، گونه گون شدیم. آن مرغان، مرغانی را که اهل طریقت نبودند، از خود دور کردند. شناسنامه

کردند و به خود محرمیت ندادند، ورنده شدگان بیر بدنبال کار خود رفتند. ما همراهان صمیم خود را راندیم، بیاحسانگان نخستین را از خود دور کردیم، به «السابقون السابقون» بی توجه ماندیم و هر فرصت طلب تاره بدوران رسیدهای را در زمره «المقربون» قرار دادیم.

بنام پاکسازی و تصفیه، غرضوری و عساد نشان دادیم، در دانشگاهها و مدارس بی نظمی و بی فرهنگی را توسعه بخشیدیم، در ارتش گسیختگی ریان اور ایجاد کردیم، در سپاه پاسداران چند دستگی را رواج دادیم، در کمیتهها و دادگاهها ربا نامان لال، رشوه وارتشا را حاکم ساختیم، در دادگاههای بزرگ انقلاب از قوانین اسلامی و دستورها اخلاقی قرآن معجید سرپیچی کردیم، در انتخابات مجلس روشهای «طاغوتی» بکار بردیم، در مجلس تشکیل شده، «حزبه حسابهای شخصی» را مطرح کردیم، در هیات دولت کارشکی بوجود آوردیم، در شورای انقلاب روبروی هم ایستادیم، در روزنامههای خود بجای سازندگی یکدیگر به تحریب پرداختیم، در رادیو و تلویزیون اسلامی «پارتنی باری» بکار بردیم، در تظاهرات سالم یکدیگر احلال ایجاد کردیم، بجای مسطوق و استدلال، چوب و چماق را حاکم ساختیم، گلولههای دشمن کش را بقلب دوستان خود نشاندیم.

شب و روز شایعه سازی کردیم، همه، همه را متهم ساختیم، دروغ گفتیم، کتمان حقایق کردیم، بی انصافی را به حد اعلا رساندیم، هر جا آرامش بود بهم ریختیم، از فرودگاه مهر آباد تا خیابانهای تهران همه جا آشفنگی را دامن زدیم، در کردستان و خوزستان، در ترکمن صحرا و فارس، در آذربایجان و خراسان، در بلوچستان و سیستان، در مازندران و اصفهان هر جا که رفتیم و سخن گفتیم، آتش به انبار اختلال انداختیم، قلمها را شکستیم، زبانها را بریدیم، بی سوادی و جهل و تعصب را رونق دادیم، در ادارات و کارخانهها هم کم کاری و هم اختلال بوجود آوردیم، بنام «شورا» هر صاحب ایمانی را از مشورت بیزار

ساختیم و بی عدالتی و ظلم را حاکم کردیم، در مزارع و کشتزارها آتش افروختیم، گرانی و فقر را دامن زدیم. در لباس دین و نام اسلام مقدس ناشایسته ترین اعمال را انجام دادیم و ناباوری و بی ایمانی و بی فضیلتی و فساد را در سراسر ایران حاکم کردیم.

نمارهای جماعتمان که لیره بجان دشمنان اسلام و ایران می انداختند، از دو و سه میلیون به چند هزار تن رسید و معلوم نیست آنها هم از راه خلوص سر به سجده الهی می نهند! یا نمارگزاری برایشان عادت شده است.

راهپیمائی های عظیم و بی نظیرمان جلوه کوچکی از تظاهرات خیابانی را پیدا کرده است. مسجدهایمان حالی شده است و دیگر از بام خانههایمان بانگ دل انگیز «الله اکبر» شنیده نمی شود. مردم همه عمگین و پریشان شده اند.

انقلابین دیروز همه نومید و پیشیمان شده اند، دیگر نه شوقی باقی مانده است و نه ذوقی، نه حرکتی به چشم می خورد و نه جنبشی، گروه عظیمی از پویندگان راه حق و صاحب نظران مؤمن «خانه نشین» شده اند و عدهای ناسمج و کارناساش و چه بسایب ایمان در سلک خردمندان و کارداناان و مؤمنان «گیسوان بافتانند که علویند»!

گروهی که تا دیروز مداح شاه خائن بودند و در منبر و تریبون دعاگوی «اعلیحضرت» بشمار می رفتند امروز خود را نسل انقلابی معرفی میکنند و اگر کسی گذشته آنها را یادآور شود، چماق «مکتبی» نبودن، آنچنان بر سرش میخورد که برای همیشه «صم و بکم» میگردد.

بدسابقه ترین افراد، ارزیاب «سوابق» مردم شده اند و در این راه سابقه همه را می بیسد آنطور که دلشان میخواهد اما سابقه خود را بکلی فراموش میکند.

اتامرون الناس بالبر و تسنون انفسهم رأی میدهم اما برای یکدیگر ارزش قائل نیستیم، نظر میدهم اما به نظرات یکدیگر احترام نمی گذاریم. نه رئیس جمهور مقامش معلوم است نه وزیر جایگاهش آشکار است. نه وکیل میداند چه باید بکند!

نه شیمان شب است و نه روزمان رور! چه شده است؟ چه بلایی از آسمان بارل شده است؟ مگر ما همان برادران سابق و همان جویندگان حقیقت و عدالت نیستیم؟

مگر نمی گفتیم انما المؤمنون اخوه

مگر نمی گفتیم اعدالواواقررب للنتوی

مگر نمی گفتیم فاصلحوا

مگر نمی گفتیم ما اربادالا اصلاح ما استطعت

کجائیم؟ به کجا میرویم؟ اسلام کجا رفت! ایران چه شد! آزادی را در کجای این بهماور سرزمینمان بجاک سپردند؟ «اهل الذکر» کجا هستند؟

نقسط اسلامی» در کجا است؟

«حکومت عدل علی» آیا همین است!

یا قاصم العجارین! ایس روش واین فرمانروائی از آن معاویه است از آن عبدالملک است از آن حجاج بن یوسف است! هیئات، هیئات اگر، روندگان راه حسین، آن مظهر پاکی و حوقطلی و فدارکاری این راه را قبول کنند.

چرا آرزوهایمان، امیدهایمان بریاد شدند؟ ما از «جمهوری اسلامی» آنچه طلب میکردیم این نیست که امروز در جامعه عصیانی ما جریان دارد.

آن مرغان حقیقت طلب به کوه قاف رسیدند و سیمرغ حقیقت را دیدند که خود بودند.

ما بخصیض ذلت رسیدیم و در اسفل السافلین خود خواهیها فرو رفتیم و خویشتن را گم کردیم. آن مرغان جوینده در وادی «تخیر» رفتند ما نیز در وادی «تخیر» رفتیم.

آنها «سیمرغ» را پیدا کردند که خود بودند، ما نیز «اویسی» را پیدا کردیم که خود بودیم!! ما همه «اویسی» شده ایم.

اویسی بی شرم بود، بی آرم بود، بی رحم بود بی شفقت بود، فتنانگیر و رسوا بود، بی دین و بی وطن بود، خرابکار و ضد انقلاب بود، طاغوتی بود و طاغوت پرور بود!

وما کجائیم...؟

بیائید برای رضای خدا و به احترام حقیقت و آزادی یکبار با خلوص نیت بیست و یک بار

چند حمله امام خمینی توجه نمائیم. - «محتاج باین نیست که از خارج بیایند و بما آسیب برسانند ما خودمان بجان هم می افتیم و خودمان را از بین میبریم»

- «مع الاسف آدم می بیند که بهر جا دست میگذارد اختلاف است» - «اگر اینطور باشد آن وقت اسلام را بدست خودمان لطمه زدیم»

- «گناه گردن همه ما هست، همه ما مسئول هستیم» - «اول باید متوجه این معنا باشیم که خودمان هستیم، خودمان را گم نکنیم»

- «توده راه افتاده، همه کارها را انجام داد و سپردش دست شما آقایان که در رأس امور هستید، اینها حالا باید نگاهش دارند این یک امانت الهی است باید ماها نگاهش داریم»

- «اگر ما کارهایی که محول به خودمان است آن را بطور صحیح انجام ندهیم ما اسلام را نیستیم، ما طاغوت هستیم، عین

همان بود که کارها را برخلاف مملکت خودش انجام میداد» - من مدتهاست که برای این جهت نگرانم و به همه آقایان این نگرانی را گفتم»

- «مملکت خانه خودتان است، خانه خودتان را باید اصلاح بکنید»

بدین اعتبار اویسی در ایران است، اویسی در تهران است، اویسی در درون همه ماست، اویسی را دستگیر کنید، اویسی را بجاک اندازید.

تا اویسیها را نکشیم انقلاب پیروز نخواهد شد.

فراموش نکنیم!

فراموش نکنید!

حیات ما و حیات جاودانه ملت ما در نابودی اویسیهاست.

فاعتبروا یا اولوالالبصار

تجاوز به آزادیهای اساسی

وگر نه چگونه میتوان پذیرفت، عاملان تجاوزهایی که بارها تکرار شده است، هنوز ناشناس مانده باشند و بقول «حجت الاسلام خمینی» چطور اگر مثلا به نماز جمعه، حمله شود فوراً شناسائی میشود و میدانید چه کسانی هستند و منزلشان کجاست و چند گزبه هم در منزلشان دارند، یکی از آنها

هم دم ندارد ولی یک واقعه به این مهمی و دردآوری و شرم و خجالت آوری را اگر نحت تعقیب قرار دهند ممکن است تحریک احساسات شود.»

هشدارهای رئیس جمهور به گونه مددخواهی از میلیونها مردمی که امید به انقلاب و دست آوردهای آن بسته اند و هنوز به رغم توطئهها و خرابکاریها، ایران فردا را آزاد و مستقل میبینند، در طرز عمل انحصارگران و سازشکاران که دودستی به قدرت چسبیده اند، کمترین اثری ندارد و بیم آن

میرود که اگر قاطعانه، تصمیم به پایان دادن به این تجاوزهای آشکار گرفته نشود و مردم در نهایت روشنی با واقعیتهای تلخی که در ایران میگذرد آشنا نگردند و چهره ضدانقلاب را زیر هر نقاب و یا هر پشتوانهای با همه ناهنجاری نشناسند، یکبار

دیگر نومید نمی تفاوتی سایه شوم خود را بر میهن ما بگسترند و آینده انقلاب اسلامی ملت ایران دچار ابهام گردد.

در این هنگامه سر نوشت ساز باید همه زنان و مردان بیدار دل میهن را به مبارزهای سرسختانه و پیگیر علیه هر نوع قانون شکنی و یکه تازی فراخوانده و از همه

حزنها و سازمانهای سیاسی خواست که هر گونه تجاوز به دیگری را تجاوز بخود تلقی کنند و در نگهداشت و گسترش آزادیهای فردی و اجتماعی، این ره آورد بزرگ انقلاب، باهمه توان بکوشند.

هجوم گروهی اوباش به نشستهای سخنرانی اجتماعهای کوچک و بزرگ در تهران و شهرستانها بخصوص حمله دامنه دار به گردهم آئی سازمان مجاهدین خلق در امجدیه در روز پنجشنبه بیست و دوم خرداد که با اجازه قانونی برپا شده بود و منجر به مرگ مصطفی ذاکری و آسیب دیدن چندصد جوان دیگر و بستری شدن هجده تن زخم خورده از گلوله و پاره سنگ، در بیمارستان گردید، یکبار دیگر زنگهای خطر را بصدا درآورد. اینگونه تجاوزها و برانگیختن برخی گروهها، علیه گروههای دیگر به خون کشیدن گردهم آئینها و توسل به زور نادیده گرفتن جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران است و آنها که زیر پوششهای گوناگون با بهره گیری از ناآگاهی مردم از زوینندهای پشت پرده قدرت های انحصارگر و سازشکار، کشور را بسوی هرج و مرج و خشونت میکشانند، دانسته یا ندانسته در خط ضدانقلاب و یا امپریالیستها هستند.

شگفت آنکه پس از فاجعه زشت روز پنجشنبه در امجدیه و یورش اخلا لگران حرفهای شناخته شده، پارهای از دست اندر کاران حکومت سنگ آزادی و قانون به سینه می کوبند و اینگونه رفتارها را محکوم می نمایند و از مردم برای «معرفی این عوامل» یاری میخواهند ولی در عمل از هر گونه تعقیب جدی خودداری مینمایند و موضوع را به تعارف می گذرانند

ساختمان سابق بنیاد مستضعفان بوشهر در آتش سوخت.

بنا به گزارش خبرگزاری پارس در هفته گذشته ساختمان سابق بنیاد مستضعفان بوشهر به آتش کشیده شد و بکلی سوخت.

این ساختمان که در اصل متعلق به رئیس سابق شهربانی استان بوشهر بود پس از پیروزی انقلاب مصادره شد و تا هفته قبل بعنوان مرکز بنیاد مستضعفان از آن استفاده میشد، اما به تازگی از طرف دادستان انقلاب اسلامی بوشهر و هیات نظارت بر فرمان امام از ساختمان مزبور رفع توقیف شده بود خبرگزاری پارس در این گزارش اضافه میکند: «بنظر میرسد آتش سوزی در این ساختمان که قرار بود به صاحب اصلیش بازگردانده شود بر سر اختلاف بین دادرسی انقلاب و بنیاد مستضعفان صورت گرفته باشد.»

ارگان حزب ملت ایران

از خبرهای هفته

اداره کل ارشاد ملی کردستان تعطیل شد

بر طبق گزارش خبرگزاری پارس از کردستان، اداره کل ارشاد ملی این استان بوسیله سپاه پاسداران تخلیه شده و کارمندان آن به خانههایشان فرستاده شدهاند و ساختمان این اداره در تصرف سپاه پاسداران است.

بدنبال این واقعه در هفته گذشته وزیر ارشاد ملی این عمل را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «تعطیل یک سازمان دولتی بوسیله یک نهاد دولتی دیگر عملی غیر منطقی است».

وزیر ارشاد ملی گفت وی با مقام ریاست جمهوری نیز گفتگو کرده است و آقای بنی صدر نیز این عمل را غلط و غیر منطقی دانسته است.

وزیر ارشاد ملی در همین رابطه اظهار داشت: «در یکسال گذشته هیچیک از ادارات دولتی در کردستان فرصت فعالیت نیافتهاند و بفرص اینک ایرادی هم به بعضی از کارمندان یا همی آنها وارد باشد، باز هم تعطیل اداره کل ارشاد ملی را توجیه نمیکند».

قول رئیس جمهور یا تهمت سپاه پاسداران

در روزنامه کیهان بتاريخ سهشنبه ۲۰ خردادماه در صفحه ۱۲ میخوانیم «هیاتی از سوی دکتر سید ابوالحسن بی صدر رئیس جمهوری کشورمان برای بررسی اوضاع حوب کشور باتفاق خسرو قشقائی به فارس میروند».

این خبر بدنبال رفع اتهام از خسرو قشقائی توسط رئیس جمهور و دستور امام مبنی بر آزادی ایشان و تقبیح این عمل وسیله شورای انقلاب نه تنها عجیب نمی نماید بلکه روش سیمی و واقع گرایی رئیس جمهوری را نشان میدهد.

آقای بنی صدر پیرامون چگونگی دستگیری خسرو قشقائی میگوید «پروندهاش را گفتم آوردند اینجا و آقای موسوی اردبیلی دادستانی کل در منزل امام بود و امام فرموده بودند که این شخص باید آزاد شود و پرونده ایشان را دیده بودند و فرستاده بودند برای من. من پرونده را خواندم و دادم دوباره ترجمه کردند و اگر مدارک دیگری نباشد و همه مدارک همین هائی باشد که در دست ما است متأسفانه داستان ایشان نیز مثل داستان دریفوس است» رئیس جمهور در حای دیگر میگوید: «من خودم پرونده ایشان را مطالعه کردم و گزارش آن را نیز به مجلس خواهم فرستاد و روی متن فارسی که از آن تهیه شده اگر مجلس رای داده باشد رایش نادرست است. حق اینست که این چند بره انگلیسی هیچگونه دلالتی بر جاسوسی سیا بودن ایشان ندارد. عکس آنهام دلالت دارد. بر اینکه یک کسی مامور کارهای اینهاست که باید گزارش بیاورد که مثلاً رهبری ایل چگونه است و سازمان ایل چگونه است و هم چنین تاریخهایی که در این برهها وجود دارد نشانگر اینست که او در این تاریخ اصلاً در ایران نبوده است و نه تنها پرونده به زبان او نیست بلکه کلی به سود اوست. البته اینکه من دیدم و اینکه در این کشور ممکن باشد با اینطور پروندهها در عصر اول جمهوری اسلامی آنها با یک وکیل مجلس عمل کرد این خبر برای تضعیف از کان این جمهوری نبوده اینستکه وقتی این پرونده خوانده شد دیروز دادم با ترجمه صحیح مطالب بروید خدمت امام و پرونده برده شد خدمت ایشان».

اما آنچه غریب مینماید متن مصاحبه اختصاصی کیهان است با یکی از مسئولان بی نام و نشان سپاه پاسداران در صفحه ۱۶ همان شماره که در آن گفته شده است: مدارکی در دست است که ایشان از ساواک میلیونها ریال میگیرفته و یا پولهایی به حساب نامبرده در اروپا و اریز میگردیده است (ماهانه به هرات مارک از طریق نمایندگی ساواک در آلمان میگیرفته است) مردم نمیدانند قول رئیس جمهور و دستور امام را باور کنند یا تهمت جدید سپاه پاسداران را؟

قیمت سیگارهای ایرانی دو برابر شد

بر اساس موافقت شورای انقلاب سهای سیگارهای شرکت دخانیات ایران به دو برابر افزایش یافت. آقای هسرتش، مدیرعامل شرکت دخانیات، گفت: «افزایش قیمت سیگار به دو برابر و نیز استفاده از آن هیچگونه ربطی به شرکت دخانیات ندارد بلکه مالیاتی است که بابت خرید سیگار از مصرف کنندگان دریافت و به حساب دولت واریز میگردد» شایان توجه است که از مدتها قبل قیمت فروش انواع سیگارهای ایرانی در بازار در عمل به دو و گاهی سه برابر قیمت افزایش یافته بود و خریداران سیگارهای ایرانی که از طسقات کم درآمدتر جامعه هستند، ماهها است که مشمول پرداخت چنین اضافه قیمتی شدهاند، منتهی نه به اسم مالیات.

گردهمائی کارگران خباز

کارگران خباز می گویند، ما هر چه داریم از اتحادیه و سندیکا است.

در روز سهشنبه بیستم خردادماه، کارگران خباز بنا به دعوت اتحادیه سندیکاهای کارگران خباز تهران و حومه، در یک جلسه عمومی شرکت کردند. در این جلسه کریم شافعی، رئیس اتحادیه کارگران خباز دشواریهای کار و زندگی کارگران خباز را برشمرد و از اجرا شدن قانون کار در مورد کارگران خباز یا دگر دو سپس آقای احمد مرادی دبیر اتحادیه کارگران خباز، از تلاش مداوم کارگران خباز در فراهم آوردن بان مورد نیاز مردم و از محتثهائی که بر این کارگران رفته است و می رود سخن گفت و اظهار داشت «ما کارگران از دستمزد تعطیل جمعه، از مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، ساعت کار، کمک خواربار و هزینه مسکن استفاده نمی کنیم، کمک عائلهمندی و لیست بیمه هم که داشتیم دارند از دست ما می گیرند کار ما را دارند از دست ما می گیرند پای زندگی ما در کار است».

پس از گفتگوهای کارگران، قطعنامه گردهمائی در چهار ماده به تصویب رسید که در آن خواسته شده است نظر کارگران را در تصمیمهای مربوط به ایشان جویا شوند و ترتیبی فراهم آورند که مرایای قانون کار درباره کارگران خباز اجرا شود و از اتحاد روشنائی که موجب بیکاری ایشان میشود خودداری گردد.

کارگران خباز در پایان از سندیکا و اتحادیه خود تجلیل کردند و گفتند ما هر چه داریم از همین سندیکاهای و اتحادیه داریم.

اجرای خواستههای کارگران شرافتمند خباز را از همه کار بدستان میخوانیم و به ویژه از وزارت کار و امور اجتماعی انتظار داریم که برای اجرای قانون کار در مورد این گروه از کارگران با قاطعیت و سرعت عمل کند و نیز با ایشان موافقت داریم که برای به دست آوردن حقوق قانونی خود و برای نایل شدن به پیشرفتهای حرفهائی و اجتماعی همه کارگران باید در سندیکاهای و اتحادیهها متشکل شوند.

اعتراض اهل تسنن سیستان و بلوچستان

هفته گذشته روحانیون و مردم اهل تسنن سیستان و بلوچستان در نامه ای که خطاب به رئیس جمهور نوشتند، نسبت به مطالبی که از رادیو بر علیه خلفای راشدین پخش شده است اعتراض کردند. در این نامه رونوشت آن به دفتر امام، شورای انقلاب و حضرت مولوی عبدالعزیز فرستاده شد، آمده است:

«متأسفانه از طرف بعضی افراد نفاق افکن و رسانه های گروهی رسمی بظاهر اسلامی رادیو، تلویزیون و روزنامه ها بهمان خلفای صدور اسلام توهین میشود. مثال چهارشنبه هفتم خرداد آقای سیداحمد خامنه ای در مصاحبه خود بعنوان تولد حضرت علی که از رادیو پخش شد خلفای سه گانه را همانند شاه سابق عاصب و جابر توصیف نمود. همچنین پیک دانش آموز که توسط روزنامه جمهوری اسلامی منتشر میشود اذهان نوجوانان را مسموم و منحرف میکند. در پایان از آنجا تقاضا میشود از چنین اعمالی که موجب دشمنی، تفرقه و بر خورد بین مسلمانان میشود جدا و فوری جلوگیری شود. لذا ما منتظر اقدام شما در این مورد هستیم».

مخالفت با بنی صدر، فایده های ندارد

آیتالله اشراقی در سعداد طهر جمعه معایر دهم خرداد در جمع نویسندگان روزنامه سأماد اظهار داشت که دکتر بی صدر، رئیس جمهوری، مردی است شایسته و همه ما مسئولیت داریم که او را حمایت کنیم.

آیتالله اشراقی در این گردهمائی گفت «آیا واقعیت ایرانی که تاریخ درخشانی در اسلام و حتی قبل از اسلام دارد این بود؟ حر این که استعمار و استعمارگران ما را آنجا حوار و صعیف کرده بود که نتواند حیثیت و شرافت واقعی خود را در دنیا کسب کند؟ و امروز نعمت آزادی و استقلال که از انقلاب اسلامی ایران حاصل شده است، ایرانی را از دل نجات داده و شخصیت واقعی ایرانی را به جهانیان عرضه کرده است»

ایشان در حای دیگری از سخنان خود گفتند «امیدواریم که یک مملکت آزاد و مسفل حیلی حوسی در آیدد داشته باشیم و اگر بعضی خودخواهها که همه ح پیدا شدهاند، نگذارند مملکت ما به کمال برسد، با این آزاده امام و راهی که من در رئیس جمهوری دیده ام منکته کمال خواهد رسید. این آقای بی صدر واقعاً شایسته است که اسان نایبش کند و آبهائی که خواهد آقای بی صدر و امثال بی صدر را سکوند باید بدادند که جامعه خود آنها را میکوند و گویند آقای بی صدر فایده ای ندارد».

مصاحبه

همه انتظار دارند که نظام جمهوری اسلامی ایران بر طبق قانون اساسی بوجود آید. قوای سه گانه کشور بسرعت دوران نظم و کار را پدید آورد. من نمی دانم دیگر بقای شورای انقلاب، وجود دادسراها و دادگاههای انقلاب، وجود کمیتهها که هر یک برای خود پاسداران ویژه ای دارند و همه آنها در همه کارها دخالت میکنند برای چیست.

فروهر در ادامه سخنان خود گفت: بنظر من نباید هیچ نهادی ولو آنکه صفتانقلابی به آن داده شده باشد خارج از نهادهائی که در قانون اساسی پیش بینی شده کار خود را ادامه دهد.

وی افزود کار قانون گذاری با مجلس شورا و کارهای اجرائی با دولت با اقتداری میباشد که هر چه زودتر باید تشکیل گردد و در کارهای قضائی نیز تنها دادگستری دخالت کند و رئیس جمهور هم طبق قانون اساسی به تنظیم روابط قوای سه گانه بپردازد.

داریوش فروهر افزود: استقرار حاکمیت ملی و اجرای قانون اساسی با رهنمودهای رهبر انقلاب امام خمینی کاری است که میتواند با سرعت و قاطعیت انجام شود، اگر انحصارگران و سازشکاران بازهم روش خود را ادامه دهند و هر روز بوسیله برانگیختن یکی از مراکز قدرت در گوشه ای از کشور نابسامانی را دامن زنند، همچنان که گفتم دست آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران با خطر جدی روبرو خواهد شد. امروز مهین ما بیش از هر چیز به نظم و کار نیاز دارد و اینهم جز از راه حکومت قانون جز با وجود امنیت قضائی و امنیت شغلی برای مردم و جر با حفظ آرادیهائی فردی و اجتماعی تأمین نخواهد شد.

داریوش فروهر بعنوان دبیر حزب ملت ایران در باره مسئله گروگانها گفت: من از آغاز

با دادن نام گروگان به کسانی که سفارت آمریکا را به لانه جاسوسی بدل کرده بودند توافق نداشتم. به نظر من طبق آگاهیهای که بمردم ایران داده شد، اینها یک عده جاسوس زندانی شده بودند. من روش تردیدآمیز دولت را در چندماه گذشته که سیاست خارجی کشور را به بن بست کشید درست نمیدانم. بخصوص پس از کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران که بدستور امام خمینی تشکیل شد و روشنگریهای لازم در آن انجام گرفت، زمینه تعیین تکلیف، از لحاظ افکار عمومی مردم جهان فراهم شده است، باید بیدرنگ بازداشت شدگان را در یک دادگاه ایرانی که رعایت تمام اصول حقوقی در آن بشود به دادرسی کشید و اگر در میان پنجاه و سه نفر بازداشت شده بیگناهی وجود دارد فوری آراد شود و کسانی که برخلاف همه موازین و قواعد حقوق بین المللی از مصونیت سیاسی خود سوءاستفاده کرده و دست به جاسوسی زده اند به کیفر برسند.

داریوش فروهر در ادامه سخنان خود گفت: این ملت ایران نیست که با چنین دادرسی، موازین حقوق بین المللی را نادیده بگیرد. این امپریالیسم آمریکا بوده است که باوادار داشتن دیپلماتهای خود به جاسوسی، حقوق بین المللی را باریچه خود قرار داده و بطور کلی یک بار دیگر در قبل گفتم که حقوق بین المللی همواره بازیچه ابر قدرتها بوده است و انقلاب اسلامی ملت ایران نمیتواند خود را در چارچوب این روابط استعمار ساخته دچار حصر کند.

فروهر افزود به نظر میرسد داستان بازداشت جاسوسان آمریکائی که شروع آن بایک حرکت انقلابی از سوی دانشجویان پیرو خط امام انجام گرفت، اکنون هم در آمریکا و هم در ایران بیک وسیله بازیهای سیاسی و کشمکش برای در دست داشتن قدرت تبدیل شده است همانطور که گفتم تعیین تکلیف جاسوسان آمریکائی از راه یک دادرسی ضرورت فوری دارد و بیهوده سندها و مدرکهای بدست آمده در لانه جاسوسی باید یک جا و هر چه زودتر در اختیار یک هیأت صلاحیتدار تحقیق قرار گیرد.

داریوش فروهر در پایان، درباره تعطیل دانشگاهها و انقلاب فرهنگی از نظر حزب ملت ایران گفت: همزمان من در حزب که در زمینه نظام آموزشی تخصصی کافی دارند بر این اعتقاد هستند که دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی کشور ضرورتی است قطعی، ولی اینکار بهیچوجه نیاز به تعطیل دانشگاهها و مدرسه های عالی ندارد. چنین عملی خود موجب انقطاع فرهنگی خواهد شد باید از فرصت تعطیلات تابستانی مراکزهای آموزشی حداکثر بهره برداری را کرد و در هدف بنیادها و روش نظام آموزشی تغییرات انقلابی لازم را پیش بینی کرد و برنامه آنرا تدوین نمود و از آغاز سال تحصیلی به اجرا گذاشت. بی شک چنین حرکت انقلابی باید در رابطه با حرکتهای انقلابی در کلیه زمینه های اجتماعی و فرهنگی باشد ولی در هر حال در انجام آن، بوجود کار بدستان هوشیار و توانا نیاز دارد و نه دست اندر کارانی که حتی در انجام کارهای روزمره اداری خود در مانده اند.....

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیم

ریر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی

خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷ - ۳۱۴

نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب ساز وار کنید

از خبرهای هفته

حمله به اجتماعات، خیانت به اسلام است

حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی در مصاحبه‌های با خبرگزاری پارس حمله به اجتماعات را شدیداً محکوم کرد و آنرا خیانتی نسبت به اسلام نامید.

وی در این مصاحبه گفت: «آخر شرم ندارد که عده‌ای که اکثراً هم افرادی هستند که آدم دلش برایشان میسوزد، توسط عده‌ای تحریک شوند و به جان عده‌ای که می‌خواهند به یک سخنرانی گوش دهند هجوم کنند. این با چه منطقی می‌خواند و قابل توجیه است؟»

سیداحمد خمینی در ادامه مصاحبه می‌گوید: «مگر وزارت کشور اجازه نداده است، تمام مسئولین و غیرمسئولین حملات سابق را به این اجتماعات محکوم نکرده‌اند؟ آیا واقعا محرکین را نمیشود شناسایی کرد که فقط نظر سوتی دارند؟ چطور اگر مثلاً به نماز جمعه حمله شود فوراً شناسایی میشوند و میدانید چه کسانی هستند و منزلشان کجاست و چند گربه هم در منزلشان دارند، یکی از آنها هم دم ندارد. ولی یک واقعه به این درد آوری و شرم و خجالت آوری را اگر تحت تعقیب قرار دهند، ممکن نیست تحریک احساسات شود. مگر نمی‌گویند که از خودشان هم دخالت دارند، خوب بگوئید چه کسی است و یا مجاهدین که می‌گویند ما آنها را می‌شناسیم بگذارید بیایند در تلویزیون بگویند و اگر ثابت شد شما هم او را بگیرید و جواب خون آن جوان ناکام و کوری آن شخص و زخمی شدن بقیه را بدهید. حزب فقط حزب‌الله اگر معنایش زدن است که آبروی الله را بردند. مرگ برای تفکر. من نمی‌شناسم، اما میدانم که این عده انسان‌های خوب اکثراً عوام حتماً تحریک میشوند، والا بیخود به اجتماعات حمله نمی‌کنند. آیا امام در اکثر مصاحباتشان نفرموده‌اند که اظهار عقیده آزاد است. اگر حرف شما حق است، از چه می‌ترسید و اگر حرف مجاهدین خلق حق است خوب گوش کنید. من با این که بعد از آن صحبت (امام تنهاست) که همه‌گونه تفسیر شد و همه‌گونه تحریف، با اینکه واقعا روشن بود، دیگر می‌خواستیم حرفی نزنیم و گوشه‌های خزیده باشم، ولی واقعا متأثرم، آیا امام از این حملات ناراحت نمیشوند؟ راستی چرا مسئولین ساکتند.»

نقطه نظرهای رئیس جمهور

دکتر بنی‌صدر در هفته گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی بعضی از نقطه نظرهای خود را در باره مسائل جاری مملکتی اعلام کرد. بنی‌صدر در مورد انقلاب فرهنگی گفت: «روشی را که در اسلامی کردن مدارس بکار بردیم با شکست روبرو شده است. مدارس ما از گذشته اسلامی‌تر نشده‌اند و علت آنرا باید در خشونت‌ناستی دانست که در این راه بکار بردیم. برای تهیه طرح نظام جدید آموزشی در دانشگاهها و پیاده کردن انقلاب فرهنگی اسلامی باید زمانی کوتاه در نظر گرفت. مگر ممکن است دانشگاهها را تعطیل کرد و مشکلی تازه بر مشکلات کشور افزود، من با تعطیل دانشگاهها مخالفم. آیا دانشگاهها به آن معنی نخواهد بود که در آینده مهندس، تکنیسین، پزشک، پرستار و دهها متخصص دیگر نیز از خارج وارد کنیم یا آیا اینست معنی مبارزه با وابستگی؟» بنی‌صدر در جای دیگر تعیین تکلیف گروه‌گانه‌ها را به عهده‌ی مجلس گذاشته و متذکر شده است که: «نمایندگان مجلس نباید تحت تأثیر این و آن قرار گیرند. آنها باید بدانند که مسئولیتی تاریخی دارند و رهنمودهای رهبری انقلاب را دقیقاً به مورد اجراء بگذارند و اجازه ندهند فرصت‌طلبان در تصمیم‌گیری‌های آنها مداخله کنند.»

رئیس جمهوری همچنین در مورد مأموریت هیأت ویژه در کردستان همراه با ستایش از کار آنها گفت: «آنوقت که آنها چنین مأموریت خطیری را پذیرفتند، کجا بودند کسانی که امروز قهرمان بازی میکنند و می‌گویند سازش و مذاکره هرگز؟» در پایان رئیس جمهوری در جواب این سؤال که چه خطری بیشتر ایران را تهدید میکند، خطر راست یا چپ؟ گفت: «ضربه فرصت‌طلبان به انقلاب ایران و خطر آنها بیشتر است، زیرا چپ از چنان پایگاه توده‌ای بهره‌مند نیست که بتواند قدرت حاکم در ایران شود. اگر ضربهای به انقلاب ایران وارد آید این ضربه از سوی فرصت‌طلبان خواهد بود.»

کتابهای درسی در سال آینده با تأخیر توزیع میشود

هفته پیش آقای وزیر آموزش و پرورش طی یک سخننامه از کلیه مسئولان مدارس خواست که تا تحویل کتابهای جدید، کتابهای مستعمل و قدیمی را در انبار مدارس نگهداری کنند. در این سخننامه آمده است: بعلت تغییراتی که در متن بعضی از کتابهای درسی بعمل آمده است، آماده‌سازی آنها مستلزم صرف وقت بیشتری است و هم چنین بخاطر عدم تحویل بموقع کاغذ و نارسائی‌های احتمالی ناشی از محاصره اقتصادی و عوامل پیش‌بینی شده، ممکن است چاپ و توزیع کتابهای درسی با تأخیر مواجه شود.

ما در اینجا اگر همه‌ی بهانه‌های وزیر آموزش و پرورش را درباره نرسیدن کاغذ و نارسائیهای ناشی از محاصره اقتصادی و حتی عوامل پیش‌بینی نشده، (که با دید محدود ایشان قابل پیش‌بینی نیست) قبول کنیم و به نحوی آنها را برای خودمان توجیه کنیم. در توجیه بهانه‌ی «تغییرات در متن بعضی از کتابهای درسی» با اشکال روبرو میشویم.

آخر چطور ممکن است دانش‌آموزی مدتی از سال یک متن را در کتابهای قدیمی بخواند و یاد بگیرد و بقیه سال با یک متن جدید و تغییر یافته روبرو شود طبیعی است که متن جدید یا باید مغایر متن قدیم باشد (و گرنه احتیاجی به تغییر آن نبود) یا باید بطور کلی چیز جدیدی باشد و در کتابهای جدید از متن قدیم اثر و نشانی نماند. حالا آقای وزیر چگونه می‌خواهند این دوگانگی را از ذهن و روح دانش‌آموزان، پاک کنند، پرسشی است که بهتر است کمی به آن فکر کنند.

بدستور استنادار، اداره فرهنگ و هنر ایلام منحل شد

بموجب گزارش خبرگزاری پارس، آقای ابراهیمی، استاندار ایلام، در مراسم نماز جمعه دوهفته قبل ایلام اداره فرهنگ و هنر این استان را بعلت «تخریب هنر» در زمان طاغوت و «سکوت» در زمان انقلاب و «عدم کارائی» (بدون ذکر زمان)، منحل اعلام کرد و دستور داد کلیه لوازم و امکانات این اداره در اختیار گروه فرهنگی سپاه پاسداران قرار گیرد.

بعد از اعلام انحلال اداره آموزش و پرورش کردستان بوسیله وزیر آموزش و پرورش، گویا وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی به این فکر افتاده است که بعلت گرفتاریهای زیاد اختیارات قانونی! خود را به استانداران واگذار نماید تا آنها خود نسبت به منحل کردن ادارات در استانها اقدام کنند، و گرنه بنظر نمیرسد که استاندار یک استان شخصاً و خودسرانه دست به اینچنین اعمال غیرقانونی و خارج از حدود و وظائف خود بزند.

نامه سرگشاده استادان دانشکده حقوق به مجلس و رئیس جمهوری

اعضای هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با فرستادن نامه سرگشاده‌ای به مجلس و رئیس جمهوری نقطه نظرهای خود را پیرامون تعطیل دانشگاه و تغییر نظام آموزشی و انقلاب فرهنگی بیان کردند.

در این نامه آمده است: «در این زمان که دانشگاه آحرس روزه‌های سال تحصیلی نیمه تمام خود را میگذراند و ریسر عنوانهای «انقلاب فرهنگی» و «انقلاب آموزشی» تهدید نه تعطیل میشود، در این زمان که دانشجویان و جوانان، در معرض اتهام‌های ناروا قرار گرفته‌اند و خانه امید و سبزه مبارزیشان «کانون فساد» لقب گرفته است، ما امضاءکنندگان که سرمایه‌های معنوی کشور را در خطر نابودی و انحطاط احساس میکنیم، به حکم وظیفه‌ی اخلاقی و انسانی، خود را ناگزیر می‌بینیم که درباره این وضع نگران گشته‌ایم به همهی دولتمردان و بویژه مدیران و مسؤولان آموزشی هشدار دهیم.»

در پایان این نامه اضافه شده است: «ما، به استناد اصول ۷۶ و ۹۰ قانون اساسی، از مجلس شورای ملی می‌خواهیم که درباره‌ی نحوه‌ی اجرای انقلاب آموزشی در دانشگاهها تحقیق کند و اساس آن را در جلسه علنی مطرح سازد.

از رئیس جمهور منتخب نیز انتظار داریم که در ساره این بخش از امنیت علمی و شعلی دانشگاهیان نیز از دحالت اشخاص و گروههای غیرمسؤول جلوگیری کند.»

بقیه در صفحه هفتم

بزرگداشت ۲۹ خرداد

برای بزرگداشت روز «خلع ید از استعمار» در ساعت ۱۹/۲ پنجشنبه بیست‌ونهم خردادماه آئین ویژه‌ای در قرارگاه مرکزی حزب ملت ایران برگزار میگردد.

چون روز ۲۹ خرداد به علت نقش برجسته کارگران صنعت نفت در «خلع ید» از استعمار انگلیس، «روز کارگران ایران» شناخته شده است، گردانندگی این آئین را شورای کارگران حزب ملت ایران بعهده دارد. در آئین ویژه بزرگداشت ۲۹ خرداد هم‌رمزم داریوش فروهر پیرامون «نقش کارگران در خلع ید از استعمار» سخنرانی خواهد داشت.

از میان نوشتارهای رسیده

مردم را با عمل به اسلام دعوت کنید، نه با حرف

بدنبال چاپ مقاله «سیاست جزائی جمهوری اسلامی ایران، چیست؟» نوشتار با امضای آقای حشمت‌الله مقصدی و کیل دادگستری تحت عنوان «مردم را با عمل به اسلام دعوت کنید، نه با حرف» به دفتر نامه آرمان ملت رسید که قسمتهای از آن در زیر نقل میگردد.

در این نوشتار ضمن تجلیل از حضرت آیت‌الله العظمی قمی که به احکام غلط و برخلاف موازین دادگاههای انقلاب اعتراض کرده بودند، آمده است:

آیت‌الله قمی در گفتار خود از نصیری‌ها و امثال او سخن نگفته‌اند و تمام احکام را تخطئه نکرده‌اند و از هویدا حمایت ننمودند و نگفتند کلیه قضات شرع بدعمل کردند و کلیه احکام غلط است. بلکه ایشان مسائلی را متذکر شدند که واقعیتها را تشکیل میدهند. وهمان مطلبی است که آیت‌الله پسندیده در روزنامه شماره ۱۶۰۹۶ مورخ ۵۸/۱۲/۲۱ روزنامه اطلاعات بعبارت دیگر بیان کردند که متأسفانه (روحانیت در سیر نزولی است روحانیون صالح خود را کنار کشیده‌اند) مفهوم ولوازم این کلمات را که دقت کنید بهمان نتیجه‌ای میرسید که آیت‌الله قمی تندتر و قاطع‌تر عنوان کرده‌اند و بقیه روحانیون نیز با اشاره و کنایه در جرائد به آن پرداخته‌اند.

من در تأیید قسمت عمده‌ای از اظهارات آیت‌الله قمی مستندات دارم که ذیلاً نقل میکنم و اگر روزی مرا اجازه دادند حاضر در اختیار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار دهم. آیت‌الله قمی فرمودند احکام غلط برخلاف موازین از دادگاه انقلاب صادر میشود و بنام اسلام، اسلام را میکوبند. زندانیهای بی‌جا و...

لطفاً باین پرونده‌ها که بدون نام موکل از لحاظ رعایت و مقررات و کالتی در دادگاههای مختلف اشاره میکنم توجه فرمایند.

۱- در دادگاه انقلاب کاشان پرونده‌ای را مطالعه کردم که بین شاک و متهم اختلاف چندین ساله روی طویل است و متهم بعنوان ضدانقلاب در دادگاه انقلاب محاکمه میشود آیا مسئله طویل جزء دعوی انقلابی است؟

۲- در آن دادگاه وکیل خود را بوکالت از متهم معرفی کرده است، قاضی نه وکیل را دعوت کرد نه به او اجازه دفاع داد و هرچه وکیل فریاد کشید که طبق ماده ۱۲ قانون شورای انقلاب شما مکلف باستماع مذاقعات هستید، قاضی گفت من نمیپذیرم آیا این قاضی صالح است؟ و این محاکمه درست است؟ و آیا کلیه کسانی که این صحنه را میبینند نمیگویند دادرسی ارتش طاغوتی با همه بی‌دینی و لامذهبی ظاهر را حفظ میکرد و یک وکیل ارتشی لااقل معین میکرد. آیا این عمل باعث پراکندگی مردم از ما و تجمع و تشکل دیگران نیست، آیا آمار انتخاباتی از جمهوری اسلامی و قانون اساسی و شوراها و ریاست جمهوری و انتخابات نمایندگان این واقعیت را تأیید نمیکند؟

۳- در ادای شهادت که بینه شرعی میگویند عدالت گواه، شرط است حال باید دید آن قاضی شرعی که بگواهی شاکیان تکیه میکند و گواهی بعضی شکاها را برای بعضی دیگر میبذیرد آیا این گواهی درست است؟ آیا واقعا آن قاضی شرع، عدالت آن گواه را احراز کرده است؟ یعنی حاضر است به او اقتدا کنند پشت سرش نماز بخواند؟

۴- از گرمسار پرونده‌ای سراغ دارم که بازپرس متهم را با داشتن ۷۰ لول تریاک بازداشت میکند و یک مقام مذهبی آزادش کرد. آیا این درست است؟

بقیه در صفحه پنجم

حفظ حیثیت ذاتی بشر درگر امیداشت آزادی‌های فردی و اجتماعی است